

# اسماعیل بن ابی‌زیاد سکونی در منابع عامه عناوین، مشایخ و روایات موازی<sup>۱</sup>

محمد قندهاری<sup>۲</sup>

## چکیده

اسماعیل بن ابی‌زیاد سکونی، یکی از روایان پرکار امام صادق علیه السلام در قرن دوم است. با وجود حجم نسبتاً بالای احادیث سکونی، شناخت ما از وی ناچیز بوده است. علی‌رغم عامی بودن سکونی، منابع حدیثی دست اول عامه، تقریباً خالی از روایات او هستند. آشنایی محققان معاصر با شخصیت سکونی، بیشتر از دریچه کتب رجال متأخر اهل سنت بوده، که ناکافی، و با اشکالاتی مواجه است. در این مقاله با بررسی منابع جدیدی از میراث عامه، احادیث متعددی از سکونی به دست آمده است، که به شناخت بیشتر و دقیق‌تر از او کمک می‌کند. در گام اول، کشف عناوین سکونی در اسانید اهل سنت و تمییز عناوین مشترک بررسی می‌شود. در گام دوم، به شناسایی عناوین متحد با

۱. تاریخ دریافت: ۹۹/۱۰/۷  
تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۱۲/۱۰  
Ghandehari@gmail.com

۲. دانش‌آموخته دکترای علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تهران.

یکدیگر در اسانید اهل سنت می‌پردازیم. در این مسیر، به روایات موازی سکونی در شیعه و اهل سنت نیز توجه می‌شود. در گام آخر، با مرور تاریخی تمامی داده‌های رجالی مرتبط با سکونی در عامه، تلاش می‌شود تا شناخت بهتری از وی به دست آید و در این مسیر اتحاد عناوینی مثل «إسماعیل بن ابی‌زیاد» و «إسماعیل بن مسلم» با سکونی نیز معین گردد. در نهایت این مقاله، فهرستی تفصیلی از عناوین مختلف سکونی و مشایخ او در عامه به دست می‌دهد که راه را برای پژوهش‌های بعدی هموار می‌سازد.

**واژگان کلیدی:** اسماعیل بن ابی‌زیاد سکونی، اسماعیل بن مسلم، شعیری، توحید مختلفات، روایات موازی.

### مقدمه

اسماعیل بن ابی‌زیاد سکونی، یکی از راویان پرکار امام صادق علیه السلام است؛ به گونه‌ای که بر اساس آمار نرم افزار درایة النور او در رتبه ششم راویان آن حضرت - از نظر تعداد حدیث - قرار دارد. با وجود حجم بالای احادیث سکونی (بیش از ۶۰۰ حدیث در منابع امامیه)، تاکنون شناخت ما از وی ناچیز بوده است. اکثر قریب به اتفاق روایات سکونی در منابع شیعه، اطلاعاتی درباره خود او به دست نمی‌دهد. در روایات او، به ندرت می‌توان شواهدی از نحوه تحمل حدیث، ملاقات او با امام یا مشایخ او مشاهده کرد.<sup>۱</sup> در متن روایات دیگر اصحاب نیز، یادی از سکونی و ملاقات با او نیست. مداخل مرتبط در فهرست نجاشی و شیخ نیز جز نام «إسماعیل بن ابی‌زیاد السکونی الشعیری» و معرفی کتاب او و طرق روایت آن، نکته دیگری را شامل نمی‌شود.<sup>۲</sup>

در منابع حدیثی شیعه، با تعابیر متفاوتی از سکونی یاد شده است که مهم‌ترین آنها به ترتیب میزان استفاده عبارتند از: «السکونی، إسماعیل بن ابی‌زیاد، إسماعیل بن مسلم، إسماعیل بن ابی‌زیاد السکونی، إسماعیل بن مسلم السکونی، الشعیری، إسماعیل بن مسلم الشعیری و إسماعیل السکونی». در بیشتر منابع رجالی شیعه، نام کامل سکونی بدین صورت

حاج  
پوهندها

سال سوم، شماره ۳، سال ۱۳۹۹

۱. اندک شواهد ارتباط سکونی با امام در منابع شیعه، قابل انتساب به سکونی نیست (اکبری و قندهاری، «إسماعیل بن ابی‌زیاد سکونی...»، مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، ش ۶۹، بخش ۲-الف).  
۲. نجاشی، رجال، ص ۲۶؛ طوسی، فهرست، ص ۳۳.

معرفی شده است: «اسماعیل بن ابی‌زیاد مسلم السکونی الشعیری»<sup>۱</sup> که نشانگر اتحاد تمامی این نام‌ها بوده و اختلافی در این مسئله، میان محققان معاصر دیده نمی‌شود.<sup>۲</sup>

اما سکونی در میان اهل سنت به این اندازه شناخته شده نیست و یافتن اطلاعات بیشتر درباره او در منابع عامه با چالش‌های متعددی مواجه است که در بیان مسئله مطرح شده است. هدف این مقاله آن است که با دسته‌بندی و تحلیل شواهد جدیدی که در منابع اهل سنت یافت شده و تطبیق آنها با روایات موجود در منابع شیعه، تصویر روشن‌تر و جامع‌تری از شخصیت حدیثی و تاریخی سکونی به دست دهد و ضمن بحث از عناوین، مشایخ و راویان او، خصلت‌های نقل حدیث، بوم و جریان اعتقادی وی نیز روشن‌تر گردد.

پیش از آغاز بحث، بیان دو نکته لازم به نظر می‌رسد: اول آنکه نگارش این مقاله به توصیه استاد گرانقدر، جناب آقای سیدمحمدجواد شبیری زنجانی صورت گرفته و نگارنده در روند انجام این تحقیق، از رهنمودهای سازنده ایشان بهره‌مند گشته و توجه و وقت‌گذاری استاد مورد امتنان است.<sup>۳</sup> دوم آنکه بر اساس تحقیقی جدید<sup>۴</sup>، درصد قابل توجهی از روایات جعفریات، همبستگی ویژه‌ای با روایات سکونی دارند؛ لذا فارغ از میزان اصالت اسناد جعفریات و علت همبستگی آن با میراث سکونی<sup>۵</sup>، باید توجه داشت که نمی‌توان به روایات



۱. برای نمونه: برقی، رجال، ص ۲۸؛ نجاشی، رجال، ۱۴۷؛ طوسی، رجال، ص ۳.
۲. برای بحث تفصیلی ن. ک: خوبی، معجم رجال الحدیث، ج ۳، ص ۱۰۵؛ همچنین برای جدیدترین و مفصل‌ترین تحقیق موجود، ر. ک: عبداللهی، بررسی شخصیت حدیثی رجالی اسماعیل بن ابی‌زیاد السکونی، صص ۱۹۱-۲۲۹.
۳. فیش برداری و نگارش بخش‌هایی از این مقاله مشترکاً با همکاری آقای عادل‌زاده انجام شده است. همچنین از آقایان عمیدرضا اکبری، حامد صابر، محمدباقر ملکیان، محمدرضا لواسانی، محمدرضا معینی و محمدصادق رضوی که نسخه اولیه مقاله را مطالعه و نکاتی ارزشمند را گوشزد کردند، قدردانی می‌شود.
۴. عادل‌زاده و قندهاری، «بررسی انتقادی منابع کتاب جعفریات»، پژوهشنامه علوم حدیث تطبیقی، ش ۱۳، سرتاسر.
۵. درباره علت یکسانی بسیاری از روایات سکونی و جعفریات اختلاف نظر وجود دارد. برخی مانند میرزا حسین نوری علت آن را سماع مشترک سکونی و امام کاظم علیه السلام از امام صادق علیه السلام دانسته‌اند (نوری، الخاتمة، ج ۴، ص ۱۶۵). اما اولین احتمالی که سیدمحمدرضا سیستانی مطرح کرده، این است که جعفریات، برگرفته از کتاب سکونی است (سیستانی، قیسات، ج ۱، ص ۲۱۶). همچنین سیداحمد مددی، در مواضع متعددی به ارتباط این کتاب با میراث سکونی اشاره کرده (همو، درس خارج فقه، ۱۳۹۵ ش و ۱۳۸۹ ش)، و اشاره می‌کند که بر خلاف روایات پراکنده به‌جامانده از سکونی، مزیت این اثر در پالایش نشده بودن آن است (همو، درس خارج فقه، ۱۳۸۷/۸/۷ ش). درباره روش شناخت روایات سکونی از غیر او در جعفریات ن. ک:

جعفریات، به عنوان نقلی مستقل از سکونی استناد کرد؛ از این رو، در مقاله حاضر، روایات منفرد سکونی که بیرون از نقل او، تنها در جعفریات آمده‌اند، همچنان منفرد تلقی می‌شود.

### بیان مسئله

برای شناخت دقیق‌تر سکونی، پیش از هر چیز لازم است همه گزارش‌های مربوط به او گردآوری شود. با توجه به عامی بودن سکونی<sup>۱</sup>، باید اطلاعاتی از او در میان ایشان به‌جامانده باشد. در صحاح و سنن، و مصنفات متقدم اهل سنت، تنها یک روایت از او به‌جامانده است.<sup>۲</sup> اما خوشبختانه، در منابع متأخر عامه و به خصوص در کتب مرتبط با ضعفاء و موضوعات، روایات بیشتری از سکونی یافت می‌شود که اطلاعات بسیار بیشتری درباره او در اختیار ما قرار می‌دهد. تا پیش از دوره معاصر، اکثر این منابع به جز چند کتاب رجالی معروف مثل تهذیب الکمال مزی، در دسترس، یا حداقل مورد رجوع محققان شیعه نبود و این موجب ناشناس ماندن زیست سنی سکونی و به تبع آن مغفول ماندن مرویات حدیثی او در عامه شده است.

خوشبختانه چند منبع تازه دستیاب از عامه، مثل مسند الفردوس دیلمی و منتخب آن از ابن حجر، با عنوان زهر الفردوس، تعداد زیادی از روایات عامی سکونی را برای ما حفظ کرده‌اند.<sup>۳</sup> همچنین، دو تن از شارحان صحیح بخاری، یعنی مغلطای بن قلیج (م. ۷۶۲ق) و ابن ملقن (م. ۸۰۴ق) نیز مکرراً از «إسماعیل بن ابی‌زیاد شامی» روایت کرده‌اند. علاوه بر آن

عادل‌زاده و قندهاری، بررسی انتقادی منابع کتاب جعفریات، صص ۲۱۹-۲۲۰.

۱. اکبری و قندهاری، «إسماعیل بن ابی‌زیاد سکونی...»، مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، سرتاسر.

۲. ابن‌ماجه، السنن، ج ۲، ص ۳۴۶. احتمال دارد علت نقل این تک روایت نیز ضبط متفاوت نام «إسماعیل بن ابی‌زیاد» در سند روایت باشد که منجر به ناشناخته ماندن او شده است.

۳. لازم به ذکر است کتاب «زهر الفردوس» در سالیان اخیر تحقیق و منتشر شده است (ابن حجر، زهر الفردوس، ۱۴۳۹ق). خوشبختانه محقق کتاب، اسامی راویان را در اسانید شناسایی کرده و لذا تمییز سکونی در میان راویان با اسامی مشابه راحت شده است. البته «مسند الفردوس» تا کنون به صورت خطی باقی مانده است و بخش‌هایی از آن را می‌توان در کتابخانه‌های ترکیه، مثل لاله‌جین (به رقم ۶۴۸) و جلاله (به رقم ۳۹۲ و ۳۹۳) و ... یافت. بسیاری از نویسندگان کتب ضعفاء از این منبع بهره گرفته، و لذا احادیث آن در بسیاری از کتب «الضعفاء» متأخر نیز بازتاب یافته و راویان آن شناسایی شده‌اند. به عنوان نمونه، بیش از نیمی از احادیث کتاب «زیادات» سیوطی از این کتاب برگرفته شده است. (سلمان نژاد، جریان شناسی آثار درباره احادیث موضوعه، ص ۲۶۹)

نسخه‌ای خطی از تفسیر البیان فی نزول القرآن نوشته محمد بن علی بن عمر فسوی در دست است که بخش زیادی از روایات تفسیری سکونی را انتقال داده است. در این پژوهش، اسانید مرتبط با عناوین نزدیک به سکونی از این منابع گردآوری شده و شاید بخش بزرگی از احادیث سنی سکونی نیز برای اولین بار با کمک منابع جدید نرم افزاری مورد توجه قرار گرفته است. پیگیری میراث سکونی در منابع عامه، با چالش‌های متعددی مواجه است. بزرگترین مشکل، آن است که در میراث عامه عناوین متعدد و پراکنده‌ای به چشم می‌خورد که پیش از بحث از اتحاد سکونی، می‌بایست رابطه خود آنها با یکدیگر معلوم گردد. عنوان کامل «إسماعیل بن ابی زیاد السکونی» به ندرت در میراث عامه مشاهده می‌شود. عناوین نزدیک، مثل «إسماعیل بن زیاد السکونی»، «إسماعیل بن مسلم السکونی» و «إسماعیل السکونی» نیز تنها در موارد معدودی از میراث عامه استفاده شده است. این عناوین به شناخت شخصیت حدیثی وی نزد عامه کمک چندانی نمی‌کند؛ چرا که رجالیان متقدم ایشان، کمتر به معرفی این عناوین پرداخته‌اند.<sup>۱</sup>

اسامی مرتبطی که در میراث عامه به چشم می‌خورد و توسط رجالیان اهل سنت معرفی شده، عمدتاً عناوین مشترکی است که تمییز آنها از یکدیگر دشوار است. مهم‌ترین این اسامی، عبارتند از: «إسماعیل بن ابی زیاد»، «إسماعیل بن زیاد» و «إسماعیل بن مسلم». در اسانید عامه، صورت‌های مختلفی از این نام‌ها، با نسب‌های متفاوت، برای روایت از مشایخ گوناگون به کار رفته است. مثلاً در عین وجود «إسماعیل بن زیاد السکونی»، راویان دیگری چون «إسماعیل بن زیاد السلمی»، «إسماعیل بن زیاد البزاز» و «إسماعیل بن زیاد قاضی موصل» نیز حضور دارند. «إسماعیل بن مسلم» نیز با نسب‌های گوناگون و ظاهراً متفاوت، به کار رفته است: «إسماعیل بن مسلم مکی/عبدی/مخزومی/...».

در بحث از توحید مختلفات یا متحد دانستن صاحبان عناوین مختلف، وقتی با عنوانی مبهم مواجهیم، برای شناسایی او، معمولاً از تطبیق اسانید شامل آن عنوان با اسانید شناخته شده‌تر، یا مقایسه راویان آن عنوان با راویان معرفی شده در کتب رجالی کمک گرفته می‌شود. اما در مورد سکونی با این مشکل مواجهیم که بیشتر عناوین مورد بحث در عامه، شناخته شده

۱. برای توضیح بیشتر، ن. ک: ادامه، بخش ۳/۱. رجالیان متقدم اهل سنت و معرفی اسماعیل بن ابی زیاد.

نیستند تا از طریق معلوم فرض کردن یکی از آنها، بتوانیم عناوین مبهم را تعیین تکلیف کنیم. این مسئله، موجب سردرگمی و اختلاف نظر شده است. مثلاً خطیب بغدادی در «المتفق والمفترق»، سه «إسماعیل بن ابی‌زیاد»، پنج «إسماعیل بن مسلم» و هفت «إسماعیل بن زیاد» را معرفی کرده است<sup>۱</sup>، درحالی‌که دیگر رجالیان عامه، برخی از این راویان را یکی می‌دانند.<sup>۲</sup> این مسئله سبب شده که برخی محققان معاصر، در تشخیص اتحاد برخی عناوین نتوانند به نتیجه برسند<sup>۳</sup>؛ یا به این جمع‌بندی برسند که «سکونی در منابع رجالی اهل سنت مبهم است و مشخص نیست مراد از سکونی چه کسی است».<sup>۴</sup>

در مجموع، راه غلبه بر این مشکلات، بهره‌گیری هم‌زمان از رویکردها و روش‌های گوناگون و عدم اکتفا به داده‌های سندی است. به طور خاص، یکی از مهم‌ترین راه‌های برون‌رفت از این چالش، تطبیق مرویات راویان مشابه عامی با سکونی مذکور در منابع شیعی است. مشابهت مضامین و به ویژه تطابق الفاظ مرویات، نزد رجالیان از قرائن اتحاد دو راوی شمرده می‌شود.<sup>۵</sup> همچنین توجه به ویژگی‌های شاذ و متمایز راویان و مقایسه آن ویژگی‌ها در میراث دو راوی نیز از دیگر قرائن اتحاد آنها محسوب می‌شود. رویکرد تاریخی راهگشای دیگر، توجه به نظر راویان هم‌عصر و رجالیان متقدم در باب اتحاد یا تعدد است. اگر محدثان و رجالیان متقدم، همگی قائل به اتحاد و رجالیان متأخر قائل به تعدد باشند، انتخاب تعدد مرجوح است. در این تحقیق، از تمامی این روش‌ها و رویکردها استفاده خواهد شد. این هدف در قالب دو مقاله مجزا و مکمل پیگیری شد. مقاله حاضر به بررسی تفصیلی

۱. خطیب، المتفق والمفترق، ج ۱، صص ۳۶۲-۳۸۶.

۲. ن.ک: بخش ۳/۲. رجالیان متأخر اهل سنت و تطبیق عناوین مشابه.

۳. ن.ک: پاورقی محقق بر ذهبی، تاریخ الإسلام، ج ۱۳، ص ۱۰۷.

۴. محققیان، «بازشناسی شخصیت اسماعیل بن ابی‌زیاد سکونی»، حدیث حوزه، ش ۷، ص ۹۳.

۵. محقق رجالی معاصر، سیدمحمدجواد شبیری زنجانی در رساله کشف النقاب، دلایلی بر اتحاد عبادبن یعقوب رواجی با ابوسعید عصفری آورده، و نظر محقق شوشتری مبنی بر افتراق این دو را رد کرده است. وی به عنوان دومین دلیل، به شباهت مضمونی دو روایت از روایات این دو راوی استناد کرده و در ادامه، با توجه به تفاوت متنی این روایات، به اهمیت روایت مضامین مشترک از جهت اتحاد اعتقادی دو راوی اشاره کرده و آن را از قرائن اتحاد برشمرده است. نکته مهمی که از بیانات محقق شوشتری و انتقادات مؤلف بر آنها بر می‌آید، این است که یکی بودن متن روایت دو راوی از قرائن مهم اتحاد است و اختلافی از این جهت در میان نیست (شبیری زنجانی، کشف النقاب، ص ۳۹۰).

انواع عناوین مرتبط با سکونی در اسانید عامه می‌پردازد و وضعیت اتحاد یا افتراق‌شان را بررسی می‌کند؛ همچنین، انواع یادکرد منابع رجالی سنی از تمامی عناوین مشابه سکونی را به بحث می‌گذارد. مقاله دوم نوشته علی عادل‌زاده، تنها به عنوان «اسماعیل بن ابی زیاد الشامی» و ارتباط او با سکونی می‌پردازد.<sup>۱</sup>

### ۱. تمییز عناوین مشترک در نام اسماعیل بن زیاد

مقدمه ضروری بحث از تمییز مشترکات و توحید مختلفات، گردآوری تمام تعابیر و عناوینی است که به نوعی احتمال اتحاد یا خلط آنها وجود دارد. بدین جهت، اسامی «اسماعیل بن ابی زیاد»، «اسماعیل بن زیاد» و «اسماعیل بن مسلم» در اسانید روایات عامه جست‌وجو و فهرستی از تمام عناوینی که شامل این اسامی، به اضافه یک نسب یا لقب یا کنیه بود استخراج شد. عناوین «اسماعیل بن ابی زیاد»، «اسماعیل بن زیاد» و «اسماعیل بن مسلم»، غیر از سکونی، برای راویان معروف دیگری نیز در اسانید روایات عامه استفاده شده است. این راویان، هرچند در برخی مشخصات با وی مشترک هستند؛ اما به دلایلی همچون تفاوت طبقه، متمایز از او هستند. در این بخش می‌کوشیم مهم‌ترین راویان با عنوان مشابه را شناسایی کرده و از دایره بحث کنار گذاریم.

#### ۱/۱. اسماعیل بن زیاد سلمی

نام اسماعیل بن زیاد سلمی کوفی در فهرست راویان امام صادق علیه السلام آمده و نجاشی نیز ترجمه او را به طور مجزا از سکونی آورده است که به معنای تمایز این دو راوی نزد او است.<sup>۲</sup> در این ترجمه، نام پدر راوی، به اشتباه به صورت «ابی زیاد» ثبت شده که منجر به خلط او با سکونی نزد رجالی متأخر امامی، ابن ابی طی حلبی (م. ۶۳۰ق) شده است.<sup>۳</sup> روایات بدون واسطه

۱. عادل‌زاده، «بررسی نسبت اسماعیل بن ابی زیاد شامی صاحب تفسیر و اسماعیل بن مسلم سکونی راوی امام صادق علیه السلام»، پژوهش‌های رجالی، ش ۳. از میان تمامی عناوین مرتبط با سکونی، عنوان «اسماعیل بن ابی زیاد شامی» از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به دلیل مجزا بودن طرق نقل از این عنوان و اطلاعات گسترده‌ای که درباره آن در دست است، بحث تفصیلی، نیازمند مقاله مستقلی بود که مقاله دوم عهده‌دار آن است.  
۲. طوسی، رجال، ص ۱۵۹؛ نجاشی، رجال، ص ۲۷.  
۳. ابن حجر، لسان المیزان، ج ۱، ص ۴۰۸. برای اشتباه بودن ابی زیاد، ن. ک: تستری، قاموس، ج ۲، ص ۲۴.

سلمی از امام صادق علیه السلام، تنها در روایات حسن بن حسین عربی (م. حدود ۲۲۰ق)، از بزرگان زیدیه، به جامانده است.<sup>۱</sup> برخلاف عموم اسانید سکونی از امام که به صورت سند متصل عن آباؤه است،<sup>۲</sup> در این روایات، سند سلمی، متوقف بر امام است و یا نهایتاً امام حدیثی را از پدرشان امام باقر علیه السلام روایت می‌کنند.

لازم به ذکر است عربی از اسماعیل بن زیاد روایات دیگری از غیر امام صادق علیه السلام نیز داشته است. مثلاً در کتاب ثواب قضاء حوائج الإخوان، روایتی از او از بُردبن سنان (م. ۱۳۵ق) به چشم می‌خورد: «ثنا علی بن العباس المقانعی ثنا جعفر بن محمد بن الحسن الزمانی ثنا حسن بن بن حسین العربی عن اسماعیل بن زیاد عن بردبن سنان...».<sup>۳</sup> در همین کتاب، المقانعی، در یک جای دیگر نیز از اسماعیل بن زیاد روایت کرده: «ثنا علی بن العباس المقانعی ثنا أحمد بن یحیی الصوفی نا اسماعیل بن زیاد التمار نا محمد بن علی شیخ من أهل البصرة عن سنان بن طریف عن جعفر بن محمد...».<sup>۴</sup> واسطه مقانعی و اسماعیل بن زیاد، احمد بن یحیی بن زکریا اودی صوفی (م. ۲۶۴ق) از مشایخ اصلی محمد بن منصور مرادی (م. حدود ۲۹۰ق) و راوی از حسن بن حسین عربی است.<sup>۵</sup> هر سه راوی اخیر، زیدی بوده و در کتب زیدیه احادیث پرشماری دارند. ممکن است در اینجا نیز اسماعیل سلمی منظور بوده و «التمار» تصحیف از «السلمی» باشد.

در کتب زیدیه، احمد بن یحیی صوفی روایت دیگری از «اسماعیل بن زیاد» دارد که به شناخت بیشتر او کمک می‌کند: «حدَّثنا محمد، حدَّثنا أحمد بن یحیی، حدَّثنا إسماعیل بن زیاد، عن إسماعیل بن أبي زیاد، عن جعفر، عن أبيه عن علی قال: إذا طر الطرار من

برای این خلط، ن. ک: اکبری و قندهاری، «اسماعیل بن ابی زیاد سکونی...»، مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، ش ۶۹، ص ۳۰.  
 ۱. برای نمونه: فرات، تفسیر، ص ۴۹؛ و کوفی، مناقب، ج ۱، صص ۱۵۹، ۲۳۸؛ همان، ج ۲، صص ۱۶۰، ۲۳۹، ۲۹۶، ۲۹۷.  
 ۲. اکبری و قندهاری، «اسماعیل بن ابی زیاد سکونی...»، مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، ش ۶۹، ص ۲۷.  
 ۳. نرسی، ثواب قضاء...، ج ۱، ص ۸۲. این اسناد را مدیون ارجاع استاد شبیری زنجانی در مقاله «التعلیقات الحسینیة علی الحواشی الحسینیة»، (کتاب شیعه، ش ۱۷ و ۱۸، زمستان ۱۳۹۷ش) هستم.  
 ۴. نرسی، ثواب قضاء...، ج ۱، ص ۷۸.  
 ۵. به عنوان نمونه، ن. ک: طوسی، الأمالی، ص ۵۰۳.



الثوب الأعلى لم يقطع، وإذا طر من الثوب الداخل قطع»<sup>۱</sup>. نکته مهم در این سند، روایت اسماعیل بن زیاد (سلمی) از «إسماعیل بن ابي زیاد» است که نشانگر تمایز این دو نفر است. نوفلی از سکونی مضمون مشابهی را از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است.<sup>۲</sup> در منابع اهل سنت، یک روایت دیگر از «إسماعیل بن زیاد سلمی» نیز مشاهده می‌شود: «... عبید بن کثیر بن عبد الواحد، ثنا یحیی بن الحسن، ثنا إسماعیل بن زیاد السلمی، عن برد بن سنان...»<sup>۳</sup>. راوی از اسماعیل، یعنی یحیی بن حسن بن فرات حریری قزاز، نیز به مانند عرنی از جمله مشایخ زیدی احمد بن یحیی صوفی بوده است.<sup>۴</sup>

تا بدین جا معلوم شد که هر سه راوی از اسماعیل سلمی، یعنی حسن عرنی، یحیی قزاز و احمد صوفی با یکدیگر در ارتباط بوده و هر سه متعلق به جریان زیدیه هستند که مؤید اتحاد شیخ آنها است. اما با توجه به تفاوت طبقات این راویان، نمی‌توان این اتحاد را قطعی دانست و جای تحقیق بیشتر وجود دارد.<sup>۵</sup> اما در هر حال، اسماعیل سلمی باید متأخر از سکونی باشد.

## ۱.۲. اسماعیل بن زیاد بزاز

شیخ طوسی، از اسماعیل بن زیاد بزاز کوفی در میان راویان امام باقر و امام صادق علیهما السلام نام برده است.<sup>۶</sup> روایات او نیز عمدتاً از طریق زیدیه به ما رسیده است. مهم‌ترین راوی او،

پیشینه

اسماعیل بن زیاد سکونی در منابع عامه: عاون، مشایخ و روایات موزنی

۱. احمد بن عیسی، رأب الصدع، ج ۳، ص ۱۴۳۵.

۲. کلینی، الکافی، ج ۷، ص ۲۲۶.

۳. با توجه به اجماع رجالیان شیعه و عامه در تکذیب و تضعیف عبید بن کثیر (نجاشی، رجال، ص ۲۳۴؛ ابن غضائری، رجال، ص ۸۰؛ ابن حبان، المجروحین، ج ۲، ص ۱۷۶) و نیز فاصله زیاد زمان وفات عبید بن کثیر بن عبد الواحد (م. ۲۹۵ ق) با یحیی بن حسن، احتمال دارد که این سند دستکاری شده باشد یا روایت او از یحیی مرسل باشد. با توجه به اینکه «اسماعیل بن ابي زیاد سکونی» روایات متعددی از برد بن سنان دارد (جدول پیوست، ردیف‌های ۳-۸)، احتمال خلط این دو راوی یا سقط نام سکونی از میانه سند قابل توجه است.

۴. ابونعیم، معرفة الصحابة، ج ۴، ص ۲۲۱۶؛ و از آنجا: ابن عساکر، تاریخ دمشق، ج ۸، ص ۴۰۶.

۵. مثلاً ن. ک: ابن عساکر، تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۳۳۳.

۶. بر اساس سال فوت، حسن عرنی و یحیی القزاز هم طبقه به نظر می‌رسند؛ اما احمد صوفی متأخر از آنهاست؛ هر چند که بیشتر مشایخ او متوفای ۲۰۰ تا ۲۳۰ ق هستند و لذا می‌تواند هم طبقه باشد. نیز روایت احمد صوفی از اسماعیل از امام، برخلاف روایات حسن عرنی از او، با یک یا دو واسطه است که درست‌تر به نظر می‌رسد.

۷. طوسی، رجال، صص ۱۲۴ و ۱۵۹.

مندل بن علی عنزی (م. ۱۶۷ق) است.<sup>۱</sup> علی بن هاشم بن برید، محدث بزرگ زیدی در اواخر قرن دوم نیز از او روایات متعددی داشته است.<sup>۲</sup>

همچنین یحیی بن مساور عابد، محدث زیدی کوفه در اواخر قرن دوم،<sup>۳</sup> احادیث متعددی از «إسماعیل بن زیاد» روایت کرده است که برخی از آنها از اصحاب امام باقر علیه السلام مثل فضیل بن یسار و سلام بن مستنیر جعفی است.<sup>۴</sup> در هیچ یک از نقل‌ها، «إسماعیل بن زیاد» معرفی نشده است؛ تنها در یک نقل، نام او به صورت «إسماعیل بن زیاد بزاز» آمده که با توجه به اسانید و طبقه شیخ یحیی، صحیح به نظر می‌رسد.<sup>۵</sup> همچنین روایات یحیی بن مساور از اسماعیل با روایات اسماعیل بن زیاد بزاز حداقل دو اشتراک متنی و سندی چشم‌گیر داشته<sup>۶</sup> و هر دو راوی، احادیثی در باب فضائل را از شیخی مجهول با نامی شاذ (خالد/جریر/السری/یزید بن شراحیل) روایت می‌کرده‌اند.<sup>۷</sup>

۱. به عنوان نمونه، ن. ک: طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۸، ص ۳۰۱.
۲. به عنوان نمونه، ن. ک: ابن ابی دنیا، التواضع و الخمول، صص ۱۷۴-۱۸۰.
۳. یحیی بن مساور یکی از همراهان قیام یحیی بن عبدالله بن حسن (م. ۱۷۵ق) بوده است. ن. ک: (ابوالفرج، مقاتل الطالبیین، ج ۱، ص ۴۰۴).
۴. به ترتیب: آملی، المسترشد، ص ۴۷۵؛ فرات، تفسیر، ص ۲۲۵.
۵. کوفی، مناقب، ج ۲، ص ۱۶۶. شیخ یحیی از امام باقر علیه السلام مستقیماً روایت می‌کرده: «إسماعیل بن صبیح، عن یحیی، عن إسماعیل بن زیاد قال: سألت أبا جعفر...» (ابن حیون، الإيضاح، ص ۱۶۰)، و در رجال شیخ، اسماعیل بزاز - و نه سلمی - از اصحاب امام باقر علیه السلام دانسته شده است. در این سند اخیر، شیخ اسماعیل بن صبیح (م. ۲۱۷ق)، همان یحیی بن مساور است (قس: مفید، الإرشاد، ص ۳۳۱؛ و ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۲، ص ۲۷۰).
۶. یحیی بن مساور از اسماعیل بن زیاد و محمد بن کثیر از اسماعیل بن زیاد بزاز، روایت یکسان را در باب فضیلت امیرالمؤمنین علیه السلام با سند منفرد و ناشناخته ابوادریس مرهبی از (ابو) رافع از عائشه روایت کرده‌اند (به ترتیب: مفید، الإرشاد، ص ۳۵ با چند تصحیف در سند؛ و نیز آملی، المسترشد، ص ۶۰۳ با اضافه‌ای در ابتدا) همچنین حسین بن سعید زیدی از پدرش از اسماعیل بن زیاد بزاز و یحیی بن مساور از اسماعیل بن زیاد روایتی یکسان را در تأویل آیه «أولئك هم خير البرية» روایت کرده‌اند (به ترتیب: حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۴۵۹؛ استرآبادی، تأویل الآیات، ص ۸۰۱).
۷. مهم‌ترین روایت اسماعیل بن زیاد بزاز، حدیثی در باب وصایت امیرالمؤمنین علیه السلام است که روات زیدی، بخش‌های مختلفی از آن را از طریق وی از شیخی ناشناخته، با عنوان‌های جریر یا خالد بن شراحیل، السری بن شراحیل یا جریر بن شراحیل روایت می‌کرده‌اند (کوفی، مناقب، ج ۱، صص ۳۸۴، ۳۸۷؛ محاملی، أمالی، ص ۳۹۳؛ ابن جوزی، الموضوعات، ج ۱، ص ۳۷۵)؛ یحیی بن مساور نیز از اسماعیل بن زیاد با واسطه از شیخی مجهول به نام یزید بن شراحیل روایت می‌کرده است (استرآبادی، تأویل الآیات، ص ۸۰۱).

بنا به نقل ابن ندیم، «إسماعیل بن زیاد» کتابی فقهی از روایات ائمه علیهم السلام داشته است.<sup>۱</sup> با توجه به اینکه وی از این کتاب در میان فهرستی از کتب فقهی «مشایخ شیعه» یاد کرده و این فهرست خالی از نام مشایخ عامی است، قاعدتاً می‌بایست این عنوان را متعلق به یکی از این دو اسماعیل زیدی بدانیم، و نه سکونی عامی.<sup>۲</sup> ضمن اینکه ابن ندیم در دو موضع دیگر از «إسماعیل بن ابی زیاد» نام برده<sup>۳</sup>، و لذا نمی‌توانیم «إسماعیل بن زیاد» در فهرست ابن ندیم را حاصل یک اشتباه در ضبط نام سکونی بدانیم. با توجه به اینکه نجاشی تنها سلمی را صاحب کتاب دانسته، این عنوان می‌بایست ناظر به او باشد.<sup>۴</sup>

در هر حال، روایات اسماعیل بن زیاد بزاز و سلمی، چند ویژگی دارد که آنها را از روایات اسماعیل بن ابی زیاد سکونی جدا می‌کند. یکی اینکه طبقه بزاز در اسانید، عموماً به طبقه ششم یا پنجم (اصحاب کبار امام صادق علیه السلام، متوفای ۱۴۰-۱۵۰ق) و طبقه سلمی به طبقه نهم یا دهم نزدیک است، در حالی که طبقه سکونی، به طبقه هشتم (اصحاب صغار امام صادق علیه السلام، متوفای حدود ۱۸۰ق) نزدیک است. تفاوت دوم اینکه روایات بزاز و نیز سلمی، عمدتاً از طریق زیدیه، آن هم بیشتر زیدیان جارودی، به ما رسیده است؛ اما روایات اسماعیل بن ابی زیاد به ندرت از طرق زیدی منتقل شده است.

در اسانید اهل سنت، راویان دیگری نیز با عنوان مشترک «إسماعیل بن زیاد» به چشم می‌خورند. برخی مثل «إسماعیل بن زیاد ایلی»، طبقه متأخری دارند که احتمال خلط آنها نمی‌رود و برخی دیگر، حاصل تصحیف «إسماعیل بن ابی زیاد» هستند. راویانی با عنوان مشترک «إسماعیل بن مسلم» نیز مشاهده می‌شوند که مهم‌ترین آنها عبارتند از: اسماعیل بن مسلم مخزومی، اسماعیل بن مسلم مکی و اسماعیل بن مسلم عبدی بصری.<sup>۵</sup> این راویان به دلیل تقدم

۱. ابن ندیم، فهرست، ج ۱، ص ۸۸.

۲. در میان فهرست ابن ندیم، نام نویسندگان زیدی دیگری نیز به چشم می‌خورد. مثل: صالح بن ابی اسود و ابو خالد عمرو بن خالد الواسطی که هر دو از بزرگان زیدیه هستند (برای دومی، ن.ک: لواسانی، سید محمد رضا، «دو «عمرو» و یک حدیث اثنا عشری»، علوم حدیث، سال بیستم، ش ۱، ۱۳۹۴ش، صص ۹۷-۱۰۰) ولی کتب اصحاب عامی امام صادق علیه السلام در این لیست ابن ندیم حضور ندارد.

۳. همان، صص ۴۶ و ۵۰.

۴. تستری، همان.

۵. خطیب، المتفق والمفترق، ج ۱، صص ۳۷۶-۳۸۵.

طبقه و روایت آنها از تابعین، به سختی ممکن است با راوی ما خلط شوند.

## ۲. عناوین متحد با سکونی در اسانید عامه

در بخش قبل، عناوینی که بنا بر قرائنی چون تفاوت طبقه به راوی متمایزی تعلق داشت، کنار گذاشته شد. موارد باقی مانده از کاربرد «إسماعیل بن اُبی زیاد»، «إسماعیل بن زیاد» و «إسماعیل بن مسلم» در اسانید عامه، عناوینی هستند که احتمال دارد متحد با سکونی باشند. فهرست این عناوین، به همراه مشایخ آنها در جدول پیوست انتهای مقاله ثبت شد. همچنین جهت تکمیل شواهد، روایات سکونی از مشایخی غیر از امام در حدیث شیعه شناسایی گردید و به همان ترتیب به جدول افزوده شد. در این فصل به قضاوت درباره اتحاد یا افتراق عناوین باقی مانده پرداخته شده و نهایتاً عناوینی که به احتمال بالا متحدند، معرفی خواهند شد.

### ۲/۱. شناسایی عناوین متحد با سکونی با بررسی طبقات و مشایخ

گرچه بهترین راه برای دسته‌بندی عناوین مختلف، تفکیک بر اساس طریق روایت هر عنوان است، اما در این بحث، پراکندگی روات و مجهول بودن برخی از طرق، مانع از این گونه دسته‌بندی است. دقیقاً بر خلاف حدیث شیعه که غالب میراث سکونی از طرق انگشت‌شمار و معینی به‌جامانده است، در منابع عامه، روایان متفاوتی به طور پراکنده از عناوین مورد بحث روایت کرده‌اند. در میان طرق عامی، تنها یک طریق پرتکرار به چشم می‌خورد: طریق روایت ابن خزر از «إسماعیل بن اُبی زیاد شامی»؛ اما باقی روایان از «إسماعیل بن اُبی زیاد» و عناوین مشابه (حدود ۴۰ راوی)، هر یک کمتر از ۱۰ نقل از او دارند. همچنین، در برخی اسانید عامه، نام روایان ذکر نشده و سند، با نام اسماعیل آغاز شده است. بنابر این دسته‌بندی باقی عناوین به تفکیک طرق، نشدنی است.

معیار جایگزین برای دسته‌بندی عناوین، توجه به مشایخ است. اگر راوی الف و ب متعدد باشند، عموماً ترکیب مشایخ آنها متفاوت است و هرچه اشتراک بیشتری بین ترکیب مشایخ الف و ب دیده شود، احتمال اتحاد آنها بیشتر می‌شود. بنابر این دسته‌بندی جدول پیوست، بر اساس مشایخ انجام پذیرفت. بدین ترتیب که به عناوین مختلفی که از یک شیخ واحد روایت می‌کردند، یک سطر مجزا اختصاص داده شد، تا این امکان باشد که عناوین مشترک از

یکدیگر تمییز داده شوند. نهایتاً ۵۰ شیخ از منابع عامه و ۸ شیخ از منابع امامیه شناسایی شدند که با تجمیع آنها و یکی کردن مشترکات، جمعاً ۵۳ شیخ به دست می‌آید که در ۱۰۷ ردیف، روایات عناوین مختلف از آنها تفکیک شده است.

با توجه به آنچه گذشت، عناوین موجود در جدول پیوست، همگی در این مسئله مشترک هستند که با دیگر روایان شناخته شده اهل سنت (مثل سلمی یا بزاز) متحد نیستند. برای اینکه دید بهتری نسبت به وضعیت عناوین به دست آید، در جدول زیر، پرتکرارترین این عناوین را مرور می‌کنیم:

شماره	عنوان موجود در اسانید	تعداد مشایخ متفاوت
۱	إسماعیل بن أبی زیاد السکونی	۵
۲	إسماعیل بن زیاد السکونی	۱
۳	إسماعیل بن مسلم السکونی	۲
۴	إسماعیل السکونی	۲
۵	السکونی	۳
۶	إسماعیل بن أبی زیاد	۳۰
۷	إسماعیل	۱۲
۸	إسماعیل بن مسلم	۱۰
۹	إسماعیل بن أبی زیاد الشامی	۹
۱۰	إسماعیل بن زیاد	۹
۱۱	إسماعیل الشامی	۳

جدول ۱: عناوین مرتبط با سکونی در اهل سنت و میزان تکرار آنها در نقل از مشایخ<sup>۱</sup>

پنج شماره نخست جدول ۱، هر یک به نحوی منطبق بر عناوین سکونی در حدیث شیعه

۱. برای خلط نشدن ارجاعات این جدول با جدول پیوست، اینجا عناوین را با قید «شماره» و در جدول پیوست با قید «ردیف» ذکر می‌کنیم.

هستند. تمامی این موارد، علاوه بر وحدت طبقه، شامل نسبت سکونی هستند و تنها عنوان شماره پنجم به نحو مختصر آمده است.<sup>۱</sup> عناوین شماره ۱-۴ در اسانید عامه به کار رفته‌اند، ولی با توجه به یکی بودن طبقه آنها با سکونی شیعه، به احتمال زیاد متحد با او هستند.<sup>۲</sup> در شش عنوان پرتکرار بعدی، عناوین شماره ۷ و ۱۱، صورت اختصار یافته عناوین بلندتر هستند؛ لذا از آنها به طور مستقل بحث نمی‌شود. در باقی موارد، آنچه که در بدو امر به چشم می‌خورد، کثرت استفاده از «إسماعیل بن ابی‌زیاد» (شماره ۶ جدول)، بدون ذکر نسب یا هر گونه توضیح بیشتر است. این عنوان با اختلاف زیاد، بیشتر از دیگر عناوین، تکرار شده و در موارد مختلف، توسط راویان متعدد، و برای نقل از مشایخ مختلفی استفاده شده است. اینکه راویان مختلف، از یک «إسماعیل بن ابی‌زیاد» با طبقه واحد روایت کرده‌اند و بیشتر آن‌ها، به خصوص راویان متقدم‌تر<sup>۳</sup>، تلاشی برای معرفی یا تمییز او نکرده‌اند، این فرضیه را ایجاد می‌کند که بیشتر موارد کاربرد این عنوان، به یک راوی خاص بازگشت دارد که برای محدثان همان دوره، نام آشنا بوده و لذا با راویان هم طبقه خود خلط نمی‌شده است. باید دقت داشت که برخلاف «إسماعیل بن مسلم» و «إسماعیل بن زیاد»، «إسماعیل بن ابی‌زیاد» نام مشترکی بین راویان مختلف نیست و در کل کتب رجالی متقدم شیعه و اهل سنت، به غیر از «إسماعیل بن ابی‌زیاد سکونی»، هیچ «إسماعیل بن ابی‌زیاد» دیگری را در طبقات دیگر نمی‌توان یافت.<sup>۴</sup> به نظر می‌رسد که این راوی شناخته شده نزد هم‌عصران عامی خود، همان

۱. همگی موارد مرتبط با این عنوان در اسانید شیعه آمده و به خاطر معروف بودن طریق سکونی، نیازی به ذکر کامل عنوان نبوده است.

۲. ن.ک: بحث تفصیلی در بخش سوم همین مقاله.

۳. قدیمی‌ترین نقل حدیثی به‌جامانده، از ابوحاتم سجستانی (۲۴۸ق) است که در ابتدای کتاب «المعمرون والوصایا» حدیثی از «ابن ابی‌زیاد» از ابن‌عبّاس آورده (در ابن‌عساکر، تاریخ، ج ۶۲، ص ۲۸۱ عین این متن از ابوحاتم سجستانی روایت شده و در آن «إسماعیل بن ابی‌زیاد» آمده است) و بعد از او، ابن‌ماجه قزوینی (۲۷۳ق) از «إسماعیل بن زیاد» (سنن، ج ۲، ص ۳۴۶) روایتی را آورده که بنا بر نقل دیگر همان روایت (ابن‌عدی، الکامل، ج ۱، ص ۵۱۰) تصحیف از «إسماعیل بن ابی‌زیاد» است.

۴. شاید به همین خاطر، محقق شوشتری، مراد از «إسماعیل بن ابی‌زیاد» را در تمامی اخبار، سکونی می‌داند (تستری، قاموس، ج ۲، ص ۲۵). برای تفصیل بیشتر، ن.ک: بخش سوم همین مقاله، و برای اتحاد او با «إسماعیل بن ابی‌زیاد شامی» ن.ک: عادل‌زاده، «بررسی نسبت اسماعیل بن ابی‌زیاد شامی صاحب تفسیر و اسماعیل بن مسلم سکونی راوی امام صادق (ع)»، پژوهش‌های رجالی، ش ۳، سرتاسر.

«إسماعیل بن ابی زیاد السکونی» باشد. بسیاری از مشایخ «إسماعیل بن ابی زیاد» (بدون ذکر لقب یا نسب) در اسانید عامه، شیخ «إسماعیل بن ابی زیاد/ زیاد السکونی» نیز هستند.<sup>۱</sup> علاوه بر این، برخی از دیگر مشایخ «إسماعیل بن ابی زیاد» نیز در میان مشایخ «السکونی»، «إسماعیل السکونی» یا «إسماعیل بن مسلم السکونی» (شماره‌های ۱ تا ۵ جدول ۱) مشاهده می‌شوند. این مسئله، نشان‌گر آن است که در فرض وحدت اسماعیل بن ابی زیاد، او می‌بایست همان اسماعیل بن ابی زیاد مسلم سکونی شناخته شده در حدیث شیعه باشد.

البته در بدو امر، اینکه «إسماعیل بن ابی زیاد» از مشایخی متعلق به بوم‌ها و جریان‌های مختلف روایت می‌کند، ممکن است نشانه‌ای بر افتراق برخی از این عناوین تلقی شود. مثلاً «إسماعیل بن ابی زیاد» هم‌زمان از ابان بن ابی عیاش بصری/کوفی، بردبن سنان شامی/بصری، محمد بن عجلان مدنی و ابوحنیفه کوفی روایت می‌کرده است.<sup>۲</sup> گرایش‌های فقهی و کلامی این مشایخ نیز با هم متفاوت است. ابان بن ابی عیاش، شاگرد حسن بصری و راوی کتاب سلیم بوده و گرایش شیعی داشته است. بردبن سنان قدری بوده و مهم‌ترین شاگرد مکحول شامی است که او هم از قدریه بوده است. محمد بن عجلان، از موالیان بنی‌امیه، فقهای مدینه و مهم‌ترین شاگرد ابوسعید مقبری اموی بوده است. ابوحنیفه نیز بزرگ اهل رأی در کوفه، مهم‌ترین شاگرد حماد بن ابی سلیمان کوفی و مؤسس فقه حنفی است. ابان بن ابی عیاش، از حلقه شیعیان متقدم بصره، بردبن سنان شاگرد باواسطه و از میراث‌داران ابن عباس، محمد بن عجلان از حلقه اموی‌ها و از شاگردان باواسطه زهری، و ابوحنیفه از حلقه اهل رأی کوفه و شاگرد باواسطه ابراهیم نخعی محسوب می‌شود. روایت هم‌زمان یک راوی از این چهار حلقه متفاوت - و حتی گاه متضاد -، بسیار عجیب و کم‌نظیر است.<sup>۳</sup>

۱. شماره ردیف‌های متناظر در جدول پیوست: جویر (ر ۲۶ و ۲۸)، ضرار بن عمرو (ر ۵۵ و ۵۶)، عبدالله بن عون (ر ۶۲ و ۶۳ و نیز ۶۴)، ابن جریج (ر ۶۵ و ۶۶) ثور بن یزید (ر ۷۴ و ۷۵)، و یحیی بن ابی سکن (ر ۱۰۴ و ۱۰۵).

۲. جدول پیوست، ردیف‌های ۳، ۹، ۵۳ و ۵۹.

۳. استفن جُد، محقق فقه اموی، در مقاله خود درباره مذهب اموی، به خوبی به دور بودن این حلقه‌های حدیثی اشاره کرده است. او می‌نویسد: «هیچ‌کدام از شاگردان اوزاعی و سفیان ثوری، ادعای شاگردی نزد ابوحنیفه را نداشته است». او در ادامه، این مسئله را ناشی از دشمنی عجیب بین حلقه اهل رأی با پیروان مذهب اموی می‌داند که چهره‌های شاخص آن، اوزاعی و سفیان ثوری هستند (Judd, 'AL-AWZA'I AND SUFYAN AL-).

برای درک بهتر غرابت تنوع مشایخ «إسماعیل بن اَبی زیاد» و فاصله زیاد مکاتب فقهی - حدیثی آنها از یکدیگر، کافی است به اشتراک ناچیز حلقه شاگردان این مشایخ توجه کنیم. مزی در تهذیب الکمال، برای ابان ۳۳ شاگرد، برای بردبن سنان ۳۲ شاگرد و برای محمدبن عجلان ۵۲ شاگرد را نام برده است.<sup>۱</sup> ابان بن اَبی عیاش و بردبن سنان، هر دو مدت زیادی از عمر خود را در بصره بوده‌اند؛ اما در میان فهرست شاگردان آنها، تنها دو راوی مشترک مشاهده می‌شود: حماد بن سلمه (م. ۱۶۷ق) و سفیان ثوری (م. ۱۶۱ق)، و در میان شاگردان ابان و محمدبن عجلان تنها یک راوی مشترک: سفیان ثوری.<sup>۲</sup> این مسئله وقتی عجیب‌تر می‌شود که توجه کنیم «إسماعیل بن مسلم» نیز از تمامی این چهار شیخ، روایت داشته است.<sup>۳</sup> طبیعتاً روایت هم‌زمان «إسماعیل بن اَبی زیاد» و «إسماعیل بن مسلم» از این مشایخ نمی‌تواند اتفاقی باشد و مؤیدی بر اتحاد دو راوی است. هنگامی که حلقه شاگردان این مشایخ تقریباً هیچ اشتراکی ندارد، بسیار بعید است که «إسماعیل بن مسلم» ی به جز «إسماعیل بن اَبی زیاد» مذکور، به طور اتفاقی ترکیب مشایخش به همین گونه شاذ باشد. البته فهرست مشایخ مشترک بین «إسماعیل بن اَبی زیاد» و «إسماعیل بن مسلم» اختصاصی به این چهار شیخ مورد بحث ندارد و از مجموع ۱۰ شیخ «إسماعیل بن مسلم»، هفت نفر آنها با مشایخ «إسماعیل بن اَبی زیاد» مشترک بوده و تنها سه شیخ اشتراک ندارند.<sup>۴</sup>

شایسته توجه است که مشایخ سکونی در حدیث شیعه نیز با همین مشکل تنوع و تضاد مواجه‌اند. فهرست مشایخ سکونی در شیعه عبارتند از: امام صادق علیه السلام (مدینه)، جابر جعفی (کوفه/شیعه)، مروان بن شجاع (شام و بغداد/عباسی)، ضرار بن عمرو (ملطیه/عامی)،

۲۰-۱۹. THAWRI, THE ISLAMIC SCHOOL OF LAW, p19-20. نکته قابل توجه در بحث ما، روایت هم‌زمان «إسماعیل بن اَبی زیاد» از ابوحنیفه و اوزاعی است (جدول پیوست، ردیف‌های ۵۹-۶۰ و ۷۷-۷۸).  
 ۱. به ترتیب: مزی، تهذیب الکمال، ج ۲، ص ۱۹؛ همان، ج ۴، ص ۴۴؛ و همان، ج ۲۶، ص ۱۰۴.  
 ۲. البته «إسماعیل بن اَبی زیاد» اساساً قابل مقایسه با سفیان ثوری نیست؛ چرا که سفیان از لحاظ ملاقات با مشایخ گوناگون، وضعیتی استثنایی در میان محدثان زمان خود داشته است.  
 ۳. جدول پیوست، ردیف‌های ۶، ۱۳، ۵۴، ۶۰.  
 ۴. برای مشایخ مشترک: جدول پیوست، ردیف‌های ۶، ۱۳، ۴۴، ۴۶، ۵۴، ۶۰، ۶۹؛ و برای مشایخ غیر مشترک: جدول پیوست، ردیف‌های ۱۰۱-۱۰۳. البته در این سه نفر نیز، روایت إسماعیل بن مسلم از نفر اول و سوم (یعنی مروان بن شجاع و ابونعیم بلخی) به طرق شیعی از نوفلی و در کتب شیخ صدوق به جامانده است.



ابن جریرج (مکه/فقیه عامی)، ابونعیم بلخی (بلخ/مرجئی)، ثوربن یزید (شام/اموی)، حجاج بن ارطاه (بصره و کوفه/قاضی عامی) و جویر (بغداد و خراسان/عامی).<sup>۱</sup> مشکل تنوع نامانوس شهرها و مکاتب، در میان این اسامی نیز مشاهده می‌شود. هر تبیینی که برای علت رخداد این تنوع در میان مشایخ شیعی سکونی بیان شود، عیناً برای تبیین تنوع مشایخ سنی اسماعیل بن ابی‌زیاد نیز کارگر است.<sup>۲</sup>

تا بدین جا، با مراجعه به اسانید اهل سنت معلوم شد که می‌توان افرادی را که هر دوی «اسماعیل بن ابی‌زیاد/زیاد» و «اسماعیل بن مسلم»، از آنها روایت کرده‌اند، از مشایخ عامی سکونی دانست؛ لذا به هنگام نقل این عناوین از این مشایخ، احتمال بیشتر آن است که این عناوین، متحد با سکونی باشند. همچنین پیش‌تر بیان شد که برخی از مشایخ «اسماعیل بن ابی‌زیاد» از مشایخ «سکونی» (عناوین شماره ۱-۵) نیز هستند. بر اساس این دو مبنا، تاکنون از بین مجموع ۵۳ شیخ معرفی شده در جدول پیوست، می‌توان حداقل ۱۵ نفر را با اطمینان بالا از مشایخ عامی سکونی دانست: ابان بن ابی‌عیاش، بردبن سنان، جویر، ضرار بن عمرو، عبدالله بن عون، ثوربن یزید، هشام بن عروه، ابن جریرج، محمد بن عجلان، ابوسلیمان فلسطینی، ابوحنیفه، مروان بن شجاع، حجاج بن ارطاه، ابونعیم بلخی و یحیی بن ابی‌سکن.

همچنین وجود برخی طرق تکرار شونده در روایت از این مشایخ، احتمال افتراق را پایین می‌آورد؛ مثلاً شعیب بن احمد از طریق جدش، عبدالحمید بن صالح، هم از «اسماعیل» از بردبن سنان و هشام بن عروه روایت کرده است و هم از «اسماعیل بن ابی‌زیاد» و «اسماعیل بن ابی‌زیاد السکونی» از ابن عون.<sup>۳</sup> بعید است که شعیب بن احمد از طریق جدش از چند فرد متمایز با عنوان مشترک و کم‌کاربرد «اسماعیل بن ابی‌زیاد» که هم طبقه بوده‌اند، روایت

۱. شماره ردیف‌های متناظر در جدول پیوست به ترتیب: جابر (۱)، مروان (۱۰۱)، ضرار بن عمرو (۵۶)، ابن جریرج (۶۵)، ابونعیم بلخی (۱۰۳)، ثوربن یزید (۷۳)، حجاج (۴۰) و جویر (۳۱).  
 ۲. اگر مسأله تنوع مشایخ اسماعیل بن ابی‌زیاد را به دایره‌ای از روایات او محدود کنیم که تنها از یک طریق معین (مثل طریق محمد بن عمر بن خزر برای روایت تفسیر)، یا راوی معین (مثل ابوعمصه عاصم بن عبدالله) رسیده است، باز مشاهده می‌شود که ترکیب نامتجانسی از مشایخ را شامل شده است. روشن است که در این حالات نمی‌توان احتمال افتراق اسماعیل بن ابی‌زیادها را داد.  
 ۳. جدول پیوست به ترتیب: ردیف‌های ۷ و ۴۳ و ردیف‌های ۶۲-۶۳.

کرده باشد.<sup>۱</sup> برای تعیین تکلیفِ بقیهٔ مشایخِ جدول پیوست نیز، به طور مشابه می‌توان از طرق پرتکرار نقل از «إسماعیل بن‌أبی‌زیاد» کمک گرفت. بدین ترتیب که طرق تکرارشونده در روایت از این ۱۵ شیخ بالا را می‌توان طرق روایت از سکونی تلقی کرد. مثلاً وقتی با طریق شعیب بن‌احمد از جدش، از «إسماعیل بن‌زیاد» از «بهبزین حکیم» روایت شده<sup>۲</sup>، می‌توانیم نتیجه بگیریم که این «إسماعیل بن‌زیاد» همان سکونی است و بهبزین حکیم نیز از مشایخ او است. مهم‌ترین مانع برای تعیین تکلیفِ همهٔ این مشایخ، تکثر و تنوع طرقِ منفرد روایت از «إسماعیل بن‌أبی‌زیاد» است. اگر بیشتر روایات او به سه چهار طریق مشخص باقی مانده بود، قضاوت دربارهٔ تک تک این طرق، تکلیف اسماعیل بن‌أبی‌زیاد سنی را روشن می‌کرد. اما تکثر طرق روایات از این عناوین مشابه، به نحوی است که به راحتی نمی‌توان دربارهٔ تمام «إسماعیل بن‌أبی‌زیاد»‌های موجود در جدول، به طور یکپارچه حکم کرد. برای قضاوت نهایی، در ادامه به شواهد بیشتری اشاره می‌شود.

۲/۲. شناسایی عناوین متحد با سکونی با بررسی روایات موازی در اهل سنت و شیعه در برخی اسانیدی که شیخ یا راوی «إسماعیل بن‌أبی‌زیاد» ناشناخته است، صرفاً با تطبیق طبقه، راویان و مشایخ در اسانید مشابه یا روایات مشابه، ممکن است بتوان دربارهٔ هویت او به نتیجه‌ای رسید. مثلاً در برخی موارد، با مقایسهٔ برخی از تعابیر در اسانید مشابه و توجه به مشایخ مشترک، می‌توان نسبت به اتحاد دو عنوان به جمع‌بندی رسید. در ادامه، دو نمونه از این بررسی‌ها ارائه می‌شود.

در مسانید ابوحنیفه، به روایت حارثی بخاری (م. ۳۴۰ق) و ابن‌خسرو بلخی (م. ۵۲۲ق)، روایاتی از «إسماعیل بن‌أبی‌زیاد» از ابوحنیفه (م. ۱۵۰ق) به چشم می‌خورد<sup>۳</sup> که در بیشتر آنها،

۱. در حد جستجوی ما، تمام روایاتِ برجای مانده از این طریق، از «إسماعیل بن‌أبی‌زیاد السکونی» است و روایت هیچ شخص دیگری به این طریق روایت نشده است.

۲. جدول پیوست، ردیف ۸۱.

۳. جدول پیوست، ردیف ۵۹. روایات مسند حارثی، تماماً از طریق ابن‌عقده (م. ۳۳۲ق) از حسن بن قاسم بجلی از محمد بن عبدالله بجلی از اسماعیل است. با توجه به اینکه بیش از ۳۰ درصد روایات این مسند از ابن‌عقده نقل شده، به نظر می‌رسد که منبع او، کتاب مفقود «أخبار أبی حنیفة ومسنده» از ابن‌عقده باشد (ن.ک: نجاشی، رجال، ص ۹۴). از پنج طریق مسند ابن‌خسرو بلخی نیز، دو تای آنها از همان کتاب

اسماعیل از ابوحنیفه توصیفات از منش پیامبر اکرم ﷺ را به طریق غریبی روایت کرده است.<sup>۱</sup> بخشی از این توصیفات مذکور، به نقل از «اسماعیل بن ابی‌زیاد» چنین است: «ما قام إلی رسول الله ﷺ رجل فی حاجة فانصرف عنه حتی یكون هو المنصرف»<sup>۲</sup>؛ مشابه همین توصیف در روایت معروف شمائل النبی، منسوب به هندی بن ابی‌هاله به چشم می‌خورد که شیعه و عامه، آن را به نقل از جمیع بن عمرو و عجلی (م. ۱۸۰ق) از وی نقل کرده‌اند.<sup>۳</sup> قابل توجه است که ابونعیم اصفهانی (م. ۴۳۰ق)، روایت بلند شمائل النبی را از «اسماعیل السکونی» از جمیع روایت کرده است.<sup>۴</sup> این اشتراک در نقل، نشان دهنده اتحاد «اسماعیل بن ابی‌زیاد» با «اسماعیل السکونی» است.

اما گاهی اوقات اشتراک دو نقل موازی، فراتر از مضمون بوده و در حد متن است. به عنوان نمونه، ابوبکر خرائطی (م. ۳۲۷ق)، محدث و ادیب عامه، بخش‌هایی از حدیث بلند پرسش و پاسخ ابوذر با پیامبر اکرم ﷺ را به نقل از «اسماعیل بن ابی‌زیاد» از ابوسلیمان فلسطینی از قاسم بن محمد از ابوادریس خولانی نقل کرده است.<sup>۵</sup> از ابوسلیمان، هیچ

ابن عقده است (بلخی، مسند الإمام أبی حنیفة، صص ۱۸۶-۱۸۷)، و مابقی از طریق ابن‌اشنانی (م. ۳۳۹ق) با همان طریق مسند حارثی روایت شده است (همان، صص ۱۹۷، ۲۰۰، ۲۴۳). در طریق روایت ابن‌عقده از اسماعیل نیز، حسن بن قاسم از مشایخ شناخته شده ابن‌عقده، و محمد بن عبدالله از مشایخ شناخته شده حسن بن قاسم است (به عنوان یک نمونه، ن. ک: نجاشی، رجال، ص ۴۶). لذا از انتساب این احادیث با این اسانید به «اسماعیل بن ابی‌زیاد» می‌توانیم مطمئن باشیم. همچنین اسماعیل بن ابی‌زیاد شامی نیز از ابوحنیفه روایت کرده است (فسوی، البیان، ص ۲۱۹).

۱. طریق نقل این روایات، از ابوحنیفه از ابراهیم بن محمد بن منتشر (م. حدود ۱۴۰ق) از انس بن مالک است. شایان ذکر است در غیر از این روایات، نقل دیگری از ابوحنیفه در دست نیست که از همین طریق نقل کرده باشد (تنها عباد بن عوام واسطی، همین روایات را از ابوحنیفه با همین طریق نقل کرده است که می‌بایست منبع مشترکی داشته باشد). ابوحنیفه نیز معمولاً از این طبقه روایت نمی‌کند. همچنین ابراهیم بن محمد بن منتشر نیز هیچ روایت دیگری از انس ندارد. لذا این طریق روایت از ابوحنیفه، به سادگی قابل قبول نیست. گفتنی است اسد بن عمرو بجلی (م. ۱۸۸ق)، شاگرد مهم ابوحنیفه، همین توصیفات را از ابوحنیفه با طریق دیگری گزارش کرده است (نسفی، القند، ص ۴۱۳).

۲. حارثی، مسند الإمام الأعظم أبی حنیفة، ج ۱، ص ۳۶۰.

۳. برای نمونه: ابن بابویه، معانی الأخبار، ص ۸۲.

۴. ابونعیم، معرفة الصحابة، ج ۵، ص ۲۷۵۴.

۵. خرائطی، مکارم الاخلاق، صص ۲۰ و ۳. قطعاتی از این نقل در دیگر منابع نیز آمده است (ن. ک: جدول پیوست، ر ۴۵). ظاهراً متن بلند این حدیث با همین طریق در اختیار بخاری (م. ۲۵۶ق) بوده است و آن را

حدیث یا اطلاعات دیگری در دسترس نیست. نکته قابل توجه درباره این حدیث بلند، آن است که در حلیة الاولیاء همین متن از طریق مختاربن غسان از «إسماعیل بن مسلم» از ابودریس خولانی (به طور مستقیم و بدون ذکر واسطه‌ها) روایت شده است.<sup>۱</sup> برخی محققان، شیخ مختاربن غسان را در این سند همان «إسماعیل بن ابی‌زیاد» می‌دانند.<sup>۲</sup> این قضاوت درست به نظر می‌رسد؛ چرا که مختاربن غسان، از «إسماعیل بن مسلم» از ابان بن ابی‌عیاش و ابن جریج، مشایخ اصلی «إسماعیل بن ابی‌زیاد»، نیز روایت می‌کرده است.<sup>۳</sup> مجموع این قرائن، ما را به این نتیجه می‌رساند که «إسماعیل بن مسلم»، شیخ مختاربن غسان<sup>۴</sup>، متحد با «إسماعیل بن ابی‌زیاد مسلم سکونی» است.

تا بدین جا، نقل‌های موازی در بین عامه، کمک کرد تا اتحاد برخی عناوین مرتبط در اهل سنت استنتاج شود. این استنتاج، وقتی روشن‌تر می‌شود که یک طرف شواهد آن در حدیث شیعه باشد.<sup>۵</sup> با مراجعه به منابع شیعه معلوم می‌شود که مشابه برخی روایات سکونی از امام صادق علیه السلام، در منابع عامه از «إسماعیل بن ابی‌زیاد» یا «إسماعیل بن مسلم» نقل شده است. پیش‌تر بیان شد که روایت یک متن یکسان از دو راوی هم‌طبقه با عنوان شبیه به هم، قرینه خوبی بر اتحاد آنها است. گذشته از این، برخی از این روایات در شیعه و اهل سنت، از لحاظ متنی منفرد است. این دست شواهد، ما را به اطمینان کامل می‌رساند که راوی آنها یک نفر است.

- 
- منکر خوانده، اما هیچ اطلاع بیشتری درباره اسماعیل یا شیخ او نداده است (ذهبی، میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۵۳۳). متن کامل این حدیث در شیعه نیز نقل شده است: ابن بابویه، الخصال، ج ۲، ص ۵۲۳.
۱. جدول پیوست، ر ۴۶. منبع اصلی این ارجاع، حلیة الاولیاء است (ابونعیم، حلیة، ج ۱، ص ۱۶۸)؛ همچنین قطعه‌ای از همین متن با همین طریق، در برخی منابع متقدم آمده است (محمد بن عثمان، العرش، ص ۷۷)، اما نام اسماعیل بن مسلم در هر دو منبع، تصحیف شده است. ضبط درست این اسم در نقل ابن ملقن از حلیة الاولیاء آمده است (ن. ک: ابن ملقن، البدر المنیر، ج ۲، ص ۲۰۵)؛ همچنین برای طرق این حدیث، ن. ک: جوده، دراسة حدیث.
۲. جوده، دراسة حدیث؛ طرهونی، موسوعة، ج ۱، ص ۱۴۷، پاورقی.
۳. جدول پیوست، ر ۱۳ و ۶۹. همچنین تمام مشایخ مختار، کوفی هستند؛ لذا شیخ مختار، ارتباطی به اسماعیل بن مسلم بصری یا مکی ندارد.
۴. عنوان موجود در ردیف‌های ۱۳، ۴۶ و ۶۹ جدول پیوست.
۵. چرا که در حدیث شیعه، عمده روایات سکونی مشخصاً برگرفته از کتاب او بوده، و یا حداقل در انتساب آن به سکونی، اختلاف نیست.

ردیف	روایت سکونی از امام صادق <small>علیه السلام</small>	عنوان سکونی و شیخ او در سند دوم
۱	کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۱۵؛ جعفریات، ص ۱۴۷	إسماعیل بن مسلم <sup>۱</sup> - أبان بن أبی عیاش (ابن حجر، زهر الفردوس، ج ۸، ص ۴۶۱)
۲	کلینی، کافی، ج ۲، ص ۳۰۲؛ جعفریات، ص ۱۶۳؛ نیز ن.ک: برقی، محاسن، ج ۲، ص ۵۱۸	إسماعیل بن زیاد - بهز بن حکیم (ابن عساکر، تاریخ دمشق، ج ۲۳، ص ۸۰) <sup>۲</sup>
۳	قمی، تفسیر، ج ۲، ص ۲۱۱	إسماعیل بن أبی زیاد الشعیری - ثور بن یزید (ابن بابویه، التوحید، ص ۳۴۴)
۴	ابن بابویه، کمال الدین، ج ۱، ص ۲۰۱؛ جعفریات، ص ۱۹۲	(إسماعیل بن أبی زیاد) <sup>۱</sup> - عباد بن منصور (شجری، الأمالی، ج ۲، ص ۲۱۶؛ أبونعیم، أخبار أصبهان، ج ۱، ص ۲۵۶؛ أبو الشیخ، طبقات، ج ۳، ص ۲۲۷)
۵	برقی، محاسن، ج ۲، ص ۵۱۵	إسماعیل بن أبی زیاد - اسرئیل بن یونس (ابوزرعة، الضعفاء، ج ۲، ص ۳۷۳) <sup>۲</sup>
۶	ابن عدی، الکامل، ج ۱، ص ۲۵۹	إسماعیل بن أبی زیاد - لیث (ابن عدی، الکامل، ج ۱، ص ۲۵۹)
۷	کلینی، کافی، ج ۳، ص ۴۶۰؛ جعفریات، ص ۳۸	إسماعیل بن زیاد - ابن جریج (ابن ماجه، سنن، ج ۲، ص ۳۴۶)
۸	کلینی، کافی، ج ۶، ص ۳۶۸	ابو الحسن - ابوالعلاء (سهمی، تاریخ جرجان، ص ۲۴۳)
۹	عیاشی، تفسیر، ج ۲، ص ۳۳۵	إسماعیل بن زیاد حمصی <sup>۳</sup> - أبان بن أبی عیاش (کوفی، مناقب، ج ۱، ص ۳۶۶)

جدول ۲: نقل‌های موازی سکونی

۱. مقصود از اسماعیل بن مسلم در این سند اسماعیل بن مسلم سکونی است؛ در بحث صفحه قبل بیان شد که در روایات مختار بن غسان، «اسماعیل بن مسلم»، همان سکونی است. همچنین می‌دانیم «اسماعیل بن ابی زیاد» روایات زیادی از ابان بن ابی عیاش از انس روایت کرده است (پیوست، ر ۹-۱۲ و نیز: بخش ۱/۲ از همین مقاله). همچنین در میان راویان ابان، شخص دیگری با نام اسماعیل بن مسلم دیده نمی‌شود.
۲. این حدیث را هشام بن عمار - اهل شام - نیز، به واسطه مخیس بن تمیم از بهز بن حکیم روایت کرده است (ابن عساکر، تاریخ، ج ۵۲، ص ۲۷).

در این جدول، نمونه‌هایی گرد آمده که هم از سکونی از امام صادق علیه السلام، و هم از عنوان مشابه سکونی از مشایخ دیگر روایت شده است. از این میان شباهت ردیف ۱-۳، لفظی است. مثلاً در ردیف ۱، حدیث یکسانی با ۷۸ کلمه، هم از امام صادق علیه السلام و هم از ابان بن ابی عیاش روایت، و از کس دیگری نقل نشده است. همچنین، شباهت دو روایت بلند ردیف ۳ به قدری چشم‌گیر است، که برخی محققان را نسبت به اصالت اسناد باقی روایات نوفلی از سکونی بدبین کرده است.<sup>۲</sup> مهم‌تر از این، ردیف‌های ۳، ۴، ۶ و ۷ هر یک به نوعی منفرد است. مثلاً در هر دو نقل ردیف ۶ بر «حضور عدو» تأکید شده که از این جهت منفرد است. بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که عناوین «اسماعیل بن مسلم» (شیخ مختار بن غسان)، «اسماعیل بن (ابی) زیاد» (راوی بهزین حکیم و ابن جریج)، «اسماعیل بن ابی زیاد» (راوی از اسرائیل و لیث)، «اسماعیل بن ابی زیاد شعیری» و «اسماعیل بن زیاد حمصی» متحد با اسماعیل سکونی، شیعه هستند و نیز کنیه او، ابوالحسن بوده است.

در مورد ردیف هشتم، لازم به ذکر است به گفته برخی محققان، مقصود از ابوالحسن در این سند، همان اسماعیل بن مسلم سکونی است که شواهد متعددی بر درستی این ادعا وجود دارد.<sup>۵</sup>

۱. این حدیث به این سند روایت شده: ... أبو عصمة عاصم بن عبدالله قال حدثنا عباد بن منصور عن الحسن عن أنس؛ اینجا واسطه ابوعصمه و عباد، افتاده است؛ زیرا ابوعصمه از راویان اصلی اسماعیل بن ابی زیاد بوده که روایات متعددی از او دارد. (همین مقاله، ص ۱۳۱، پاورقی ۲) همچنین در سند دیگری ابوعصمه با واسطه اسماعیل بن ابی زیاد شامی از عباد بن منصور روایت کرده است (پیوست، ص ۷۱؛ که البته به نظر می‌رسد نسب شامی توسط یکی از راویان متأخر که در پی شناسایی اسماعیل بوده، برای او افزوده شده است. ن.ک: عادل‌زاده، همان، بخش ۲/۲).

۲. برای توضیح بیشتر، ن.ک: بخش ۳/۱. رجالیان متقدم اهل سنت و معرفی اسماعیل بن ابی زیاد.

۳. برای توضیح بیشتر درباره ارتباط سکونی با حمص، ن.ک: عادل‌زاده، همان، بخش ۲/۳.

۴. مدرسی طباطبایی، میراث مکتوب، ص ۳۷۱. برای رابطه همبستگی بین متون و منابع یکسان، ر.ک: قندهاری، بازشناسی هویت...، بخش ۲.۴.۳.

۵. پاورقی محقق در شوکانی، الفوائد، ص ۱۶۶. ابوالعلاء کنیه بردبن سنان است که از مکحول روایت می‌کند (مزی، تهذیب الکمال، ج ۴، ص ۴۳). ابوالحسن نیز کنیه «اسماعیل بن ابی زیاد» است که از بردبن سنان روایت می‌کند (همان، ج ۳، ص ۲۰۶). وی دست کم سه حدیث دیگر به همین طریق (بردبن سنان-مکحول-عطیه بن بسر) روایت کرده است (ابن شاهین، الترغیب، ص ۱۵۴؛ ابن عساکر، تاریخ دمشق، ج ۸، ص ۴۰۶؛ آملی، المسترشد، ص ۶۱۹، ح ۲۸۶). این در حالی است که احادیث موجود به طریق بردبن سنان-مکحول-عطیه، بسیار اندک و کمیاب است. قرینه دیگر آنکه عبد المؤمن بن عبد العزیز از «اسماعیل بن مسلم» روایت

۳. منابع رجالی عامه و داوری درباره اتحاد اسماعیل بن ابی زیاد عامی با سکونی شیعی تا بدین جا، عناوین مشابهی که در اسانید عامه آمده بود، مورد بررسی قرار گرفت. اما همان طور که بیان شد، شاید این داده‌های سندی، برای قضاوت نهایی نسبت به وضعیت اتحاد یا افتراق تمام عناوین موجود، کافی نباشد. همچنین این داده‌های گردآوری شده از اسانید، اطلاعات چندانی درباره «اسماعیل بن ابی زیاد» سنی فراهم نمی‌کند؛ بلکه چه بسا موجب ابهاماتی درباره نسب و شهر و نام پدر و ... می‌شود. برای رفع این مشکل می‌بایست به منابع رجالی رجوع کرد. خوشبختانه اطلاعات برخی منابع متقدم رجالی درباره «اسماعیل بن ابی زیاد» یا عناوین مشابه، به رفع این ابهامات کمک کرده و اطلاعات ارزشمندی، مانند مولد، محل زندگی و فعالیت‌های علمی و اجتماعی را به دست می‌دهد. بر اساس این اطلاعات، تلاش می‌شود تا ترجمه کامل‌تری از سکونی بر اساس منابع اهل سنت ارائه گردد.

### ۳/۱. رجالیان متقدم اهل سنت و معرفی اسماعیل بن ابی زیاد

اولین رجالی سنی که از «اسماعیل بن ابی زیاد» اطلاعی به دست داده، یحیی بن معین (م. ۲۳۳ ق) است. ذهبی (م. ۷۴۸ ق) در میزان الاعتدال، شش مدخل پشت سر هم را به «اسماعیل بن ابی زیاد» اختصاص داده و با تأکید بر تفاوت نسب‌ها، تلاش کرده تا بین تعابیر مشترک «اسماعیل بن ابی زیاد»، تمییز دهد. در ششمین مورد، «اسماعیل بن ابی زیاد الشقری» را با نقلی از یحیی بن معین معرفی می‌کند و می‌نویسد: «سکن خراسان، قال یحیی: کذاب و قال أبو حاتم: مجهول». <sup>۱</sup> امروزه در هیچ یک از اسانید اهل سنت، فردی با این نام یافت نمی‌شود. <sup>۲</sup>

می‌کند؛ چنان‌که در تاریخ جرجان، پیش از حدیث مورد بحث، حدیثی با موضوعی مشابه به این سند روایت شده است: عبد المؤمن بن عبد العزیز - اسماعیل بن مسلم - ابوالمهاجر - مردی شامی از اصحاب پیامبر ﷺ (سهمی، تاریخ جرجان، ص ۲۴۲). در منابع دیگر نیز کنیه ابوالحسن برای سکونی ذکر شده است (ابن عساکر، تاریخ دمشق، ج ۱۴، ص ۱۳۸). گفتنی است در منابع امامیه، به جز نقل سکونی و روایتی مرسل (طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۱۸۰)، مؤید دیگری بر این نقل مورد بحث یافت نمی‌شود.

۱. ذهبی، میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۲۳۰.

۲. ذهبی تنها یک حدیث مرتبط با این نام سراغ داشته که آن را در همین مدخل آورده است. اما در سند این حدیث نیز به جای شقری، از «اسماعیل بن ابی زیاد الایلی» روایت شده است. ابن حجر عسقلانی، در تکمله‌اش بر میزان الاعتدال اشاره کرده که این حدیثی که ذهبی آورده، ارتباطی به صاحب مدخل ندارد.

برای تعیین هویت این عنوان، نقل ابن حجر عسقلانی (م. ۸۵۲ق) از رجالی امامی، ابن‌ابی‌طیّ حلبی، در مدخل مرتبط با این عنوان راهگشاست: «قرأت بخط ابن‌ابی‌طی: إسماعیل بن‌ابی‌زیاد السکونی يعرف بالشقري أحد رجال الشيعة».<sup>۱</sup> به نظر می‌رسد ابن‌ابی‌طی در اینجا عین عبارت شیخ طوسی در کتاب فهرست را نقل کرده باشد: «إسماعیل بن‌ابی‌زیاد السکونی، و يعرف بالشعیری أيضاً».<sup>۲</sup> بنابر این، در اینجا شقري از تصحیف شعیری ناشی شده است؛ چرا که این دو واژه از لحاظ نگارش، بسیار به هم نزدیک هستند و از طرف دیگر، نزد راویان سنی، نسبت شقري از شعیری مشهورتر است.<sup>۳</sup> به همین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که راوی مورد نظر یحیی بن‌معین و ابوحاتم رازی (م. ۲۷۷ق) نیز همان «إسماعیل بن‌ابی‌زیاد الشعیری» بوده است که یحیی او را کذاب، و ابوحاتم او را مجهول دانسته است.

غیر از این دو نفر، بخاری (م. ۲۵۶ق) در تاریخ کبیر، بدون ذکر نسب یا اطلاعات بیشتر، در حد ثبت مدخلی به عنوان «إسماعیل بن‌ابی‌زیاد»، درباره او می‌نویسد: «یرفعه، مرسل، روی عنه شعیب بن‌میمون».<sup>۴</sup> ابن‌حبان با نقل همین سخنان بخاری، می‌افزاید: «شیخ پروی المراسیل».<sup>۵</sup> البته با فحص بسیار، هیچ روایتی از شعیب بن‌میمون از اسماعیل یافت نشد. علاوه بر این، از خود شعیب نیز اطلاعات چندانی به جا نمانده است. تنها مزی، برخی راویان و مشایخ او را ذکر می‌کند.<sup>۶</sup> هرچند بیشتر مشایخ او متوفای نیمه قرن دوم هستند، اما برخی از آنها مثل مسلم بن سعید ثقفی (م. حدود ۱۷۰-۱۸۰ق) هم طبقه سکونی به نظر می‌رسند.<sup>۷</sup>

۱. ابن حجر، لسان المیزان، ج ۲، ص ۱۲۶.

۲. طوسی، فهرست، ص ۳؛ خلط سکونی با اسماعیل سلمی در ادامه این نقل، ر.ک: اکبری و قندهاری، «إسماعیل بن‌ابی‌زیاد سکونی...»، مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، ش ۶۹، ص ۳۰.

۳. با توجه به قاعده اصلی و مهم تحریف که تبدیل غیر مشهور به مشهور است، «شعیری» (اشاره به جوفروشی، ن.ک: سمعانی، الأنساب، ج ۳، ص ۴۳۷) به عنوان مشهورتر «شقري» (منسوب به بنی شقره، همان، ج ۳، ص ۴۴۳) تبدیل شده است.

۴. بخاری، التاريخ الكبير، ج ۱، ص ۳۳۴.

۵. ابن حبان، الثقات، ج ۳، ص ۱۹۹.

۶. مزی، تهذیب الکمال، ج ۱۲، ص ۵۳۶.

۷. علاوه بر این، مزی و رجالیان متقدم او را با وصف صاحب البزور و برخی دیگر با عنوان البزوری معرفی کرده‌اند که به شغل او در رابطه با فروش بذر غلات اشاره دارد (نک: سمعانی، الأنساب، ج ۱، ص ۳۴۳) که مرتبط با شغل



این‌ابی حاتم (م. ۳۲۷ق) نیز که در الجرح والتعديل به دنبال تکمیل کار رجالی بخاری بوده، در مدخلی مشابه، نام همان راوی را با یک اضافه اشتباه<sup>۲</sup>، به صورت «إسماعیل بن ابی‌زیاد بن مقدم» ضبط کرده است<sup>۳</sup> و سپس با نقل از ابوحاتم رازی (م. ۲۷۵ق) و ابوزرعه رازی (م. ۲۶۴ق)، نقل شعیب بن میمون از اسماعیل را تأیید کرده و در ادامه بیان می‌کند که پدرش، ابوحاتم، اسماعیل را مجهول می‌داند.

اما ابوزرعه ظاهراً اطلاعات بیشتری از «إسماعیل بن ابی‌زیاد» داشته و او را از روایت کوفی می‌دانسته که احادیثی ساختگی روایت می‌کرده است. وی در پاسخ سؤالات شاگردش برذعی، می‌گوید: «إسماعیل بن ابی‌زیاد: یروی أحادیث مفتعلة»؛ و سپس در پاسخ سؤال: «من این هو؟»، می‌گوید: «کوفی؛ حدث عن اسرائیل عن ابی‌إسحاق، عن الحارث، عن علی فی: الکرفس بقلة الأنبياء، و أحادیث موضوعة لا أعلم یحدث عنه أصحاب الحدیث».<sup>۴</sup> اینکه ابوزرعه، به مانند دیگر رجالیان قرن سوم، به هیچ «إسماعیل بن ابی‌زیاد» دیگری اشاره نکرده است، می‌تواند نشانگر آن باشد که از نظر او، تنها یک راوی مهم با نام «إسماعیل بن ابی‌زیاد» وجود داشته که راوی اسرائیل بن یونس (م. ۱۶۲ق) و از نظر ابوزرعه، کوفی بوده است.

شعیری است. نیز یکی از راویان شعیب به نام منصور بن مهاجر واسطی (م. بعد از ۲۰۰ق) که به او هم شعیری و صاحب‌البرزور گفته شده، روایتی از «إسماعیل بن ابی‌زیاد» از برد بن سنان دارد (جدول پیوست، ردیف ۳: آملی، المسترشد، ص ۶۱۹). لازم به ذکر است در عربی قدیم، بذر در معنای دانه گیاهان را با زاء (بزر) می‌نوشتند.

۱. این مسئله در میان رجالیان اهل سنت معروف است، اما شاید اولین کسی که به این نکته توجه داده است، خطیب باشد (خطیب، موضع، ج ۱، ص ۱۵). برای بحث بیشتر از این رابطه، ن. ک: MELCHERT, BUKHĀRĪ, AND EARLY HADITH CRITICISM, JAOS, VOL. ۱۲۱, NO. ۱, P ۱۶. «الموازنة العلمية بين کتابی...»، مجلة الشريعة والدراسات الإسلامية، عدد ۶، صص ۳۸۰-۳۸۱؛ و ترجمه آن در: عواطی، «مقایسه علمی التاریخ الکبیر بخاری و الجرح والتعديل...»، آینه پژوهش، ش ۱۸۰، ص ۱۸۰.

۲. با توجه به اینکه عناوین مداخل کتب الجرح والتعديل ابن ابی حاتم و نیز ثقات ابن حبان، از کتاب بخاری تبعیت می‌کند، می‌توان حدس زد که عنوان درست این راوی، همان است که در مدخل بخاری و ابن حبان آمده و اضافه «بن مقدم» در این مدخل، احتمالاً حاصل اختلاف نسخه موجود از کتاب بخاری نزد ابن ابی حاتم است؛ اما با توجه به اینکه بعد از ابن ابی حاتم نیز هیچ کس «بن مقدم» را ذکر نکرده است، می‌توان نتیجه گرفت که این اضافه قاعداً حاصل یک تصحیف متأخر در نسخه است، وگرنه رجالیان بعدی این عنوان را می‌آوردند.

۳. ابن ابی حاتم، الجرح والتعديل، ج ۲، ص ۱۷۱.

۴. ابوزرعه، الضعفاء، ج ۲، ص ۳۷۳؛ و به نقل از او: مغلطای، إكمال تهذیب الکمال، ج ۲، ص ۱۷۳.

همچنین، توصیفاتى که ابوزرعه در ادامه از او کرده: «لا أعلم يحدث عنه أصحاب الحديث»، با آنچه که امروزه از روایات اصحاب حدیث قرن سوم به جامانده، سازگار است.<sup>۱</sup>

اطلاعى که ابوزرعه رازی (م. ۲۶۴ق) از اصالت کوفى «إسماعيل بن أبي زياد» داده، یادآور توصیفى است که در کتاب رجال منسوب به برقى از «إسماعيل بن أبي زياد السكونى» آمده است.<sup>۲</sup> لازم به ذکر است کوفى بودن سکونى، در شيعه، اولین بار در این کتاب بیان شده و پس از او، مورد قبول محدثین قرار گرفته است.<sup>۳</sup> همچنین، حدیثی که ابوزرعه در همین مدخل از «إسماعيل بن أبي زياد كوفى» آورده، در شيعه به صورت مسند، تنها در محاسن مشاهده مى‌شود:<sup>۴</sup> «عنه عن بعض أصحابنا عن البجلي فسماه قال حدثني الشعيري عن إسماعيل بن مسلم عن أبي عبد الله عليه السلام قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله الكرفس بقلة الأنبياء». <sup>۵</sup> در نسخه شیخ حر از محاسن، عبارت زیرخطدار به صورت «الشعيري إسماعيل بن مسلم» ضبط شده است.<sup>۶</sup> بدین ترتیب راوی این خبر در شيعه، همان سکونى است و راوی او، فردى با نسب بجلی است. هرچند عبدالله بن مغیره، راوی سکونى، بجلی است، اما چون نام راوی در این سند، برای برقى آشنا نبوده، اینجا مى‌بایست یک بجلی دیگر مورد نظر باشد. در منابع حدیثی عامه، روایت دیگری با سندی مشابه سند ابوزرعه، یعنی «إسماعيل عن اسرائيل [عن أبي إسحاق]، عن الحارث، عن علي» به جامانده که در آن، راوی از إسماعيل، عاصم بن عبدالله

۱. در تمام میراث حدیثی به جامانده از قرن سوم (اعم از سنن، مسانید، مصنفات و...)، تنها یک حدیث از «ابن ابی‌زیاد» (ابوحاتم سجستانی، المعمرون والوصایا، ص ۱) و یک حدیث از «إسماعيل بن زياد» (ابن ماجه، سنن، ج ۲، ص ۳۴۶) به چشم مى‌خورد.
۲. برقى (منسوب به)، رجال، ص ۲۸. لازم به ذکر است برخى محققین، این کتاب را به احتمال بیشتر، نوشته نوه احمد برقى مى‌دانند (شبيرى، برقى، ص ۱۵۹). اما در هر حال، جالب است که برخى مشایخ برقى مثل ابن عرزى، با مشایخ ابوحاتم رازى و مشایخ سنى رى مشترک بوده‌اند.
۳. ابن بابویه، من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۴۵۹؛ طوسى، رجال، ص ۱۶۰.
۴. نقل بدون سند آن نیز به همراه برخى از دیگر مرویات سکونى در دعائم مشاهده مى‌شود (ابن حيون، دعائم، ج ۲، ص ۱۱۳) که احتمالاً برگرفته از جعفریات است (برای استفاده گسترده قاضى نعمان از کتاب جعفریات، ن. ک: ۳۳-۳۴، JNES, VOL. ۳۵, NO. ۱, PP. ۳۳-۳۴؛ MADLUNG, THE SOURCES OF ISMĀ'ĪLĪ LAW, JNES, VOL. ۳۵, NO. ۱, PP. ۳۳-۳۴؛ و ترجمه مختصر آن در: رحمتى، مقدمة الإيضاح، صص ۴۹ و ۵۰).
۵. برقى، المحاسن، ج ۲، ص ۵۱۵.
۶. حر عاملی، وسائل الشيعه، ج ۲۵، ص ۱۹۴.

بجلی است.<sup>۱</sup> وی همان ابوعصمه عاصم بن عبیدالله بلخی (م. اوایل قرن سوم) است که نسب او گاه به بجلی تصحیف می شده است.<sup>۲</sup> همچنین محمد بن عبدالله بجلی نیز در طریق ابن عقده به روایات سکونی قرار دارد.<sup>۳</sup>

در ابتدای قرن چهارم، چند تن از رجالیان عامه از یک راوی سنی به نام «إسماعیل بن زیاد» یاد کرده اند که ملقب به «فافاه» یا «فافاه» است. ابن ابی حاتم او را به عنوان یکی از اهالی کوفه معرفی می کند که از اعمش روایاتی نقل کرده است.<sup>۴</sup> ابوجعفر طحاوی (م. ۳۲۱ق)، بعد از ذکر سند «عن ابن جریج قال: أخبرني فافاه، عن الأعمش، عن أبي صالح، عن أبي هريرة»، او را به اختصار معرفی کرده است: «فافاه هذا رجل من أهل الكوفة، وأهل القرآن، واسمه إسماعيل بن زیاد».<sup>۵</sup> طحاوی، معمولاً در مواردی که راوی ناشناخته است، یا ذکری از او در دیگر روایات نیست، به این مسئله تذکر می دهد؛<sup>۶</sup> اما وی ظاهراً «إسماعیل بن زیاد» ملقب به فافاه را می شناخته است. عنوان فافاه یا فافاه در اسانید روایات متعددی از اهل سنت به چشم می خورد.<sup>۷</sup> بیشتر کاربردهای این عنوان در اسانید، در روایات ابن جریج (م. ۱۵۰ق) و برای روایت از اعمش مشاهده می شود.<sup>۸</sup> جالب است که طبق گزارش یک شاهد دست اول،

۱. مسافر حاجی، الأربعون البلدانية، ص ۱۹؛ در این سند نام ابواسحاق افتاده است؛ برای سند کامل، ن. ک: ذهبی، میزان الإعتدال، ج ۱، ص ۲۳۰؛ همو، سیر أعلام النبلاء، ج ۱، ص ۴۳۷.

۲. خطیب، المتفق والمفترق، ج ۳، ص ۱۷۲۷. ابوعصمه عاصم بن عبیدالله بن نعمان بلخی از راویان معروف «إسماعیل بن ابی زیاد» بوده و در منابع اهل سنت، روایات متعددی از او داشته است. برای نمونه: ثعلبی، الكشف و البیان، ج ۸، ص ۱۰۸؛ ابونعیم، معرفة الصحابة، ج ۵، ص ۲۶۵۱؛ ابن عبدالبر، جامع بیان، ج ۱، ص ۳۷. در تمامی این منابع، از اسماعیل بدون ذکر نسب یاد شده است. جالب توجه است که شیخ صدوق نیز در ثواب الأعمال، ص ۷۷ حدیثی از او از «إسماعیل بن ابی زیاد» آورده و تذکر داده که این حدیث معارض فقه شیعه است. این راوی ظاهراً در مرو می زیسته است؛ چرا که در برخی اسانید از او به صورت عاصم بن عبیدالله مروزی یاد شده است (ابونعیم، همان).

۳. برای توضیح بیشتر، ر. ک: ص ۱۸، پاورقی ۳.

۴. ابن ابی حاتم، همان.

۵. طحاوی، شرح مشکل الآثار، ج ۱، ص ۱۸۴.

۶. نمونه: همان، ج ۷، ص ۴۲۹.

۷. جدول پیوست، ردیف های ۴۸-۵۰ و ۸۵.

۸. جدول پیوست، ردیف های ۴۸-۵۰. ممکن است به ذهن برسد که چون «إسماعیل بن ابی زیاد»، روایات متعددی از ابن جریج داشته (جدول پیوست، ردیف های ۶۵-۶۹)، این «إسماعیل بن زیاد» نمی تواند

این جریح در اواخر عمرش با «إسماعیل بن زیاد» ملاقات داشته است.<sup>۱</sup> مهم‌ترین شاهی که به شناسایی «إسماعیل بن زیاد» در نقل طحاوی کمک می‌کند، توصیف او به کوفی و اهل قرآن بودنش است. ابن‌ندیم بغدادی (م. ۳۸۵ق)، برای «إسماعیل بن ابی‌زیاد»، تفسیر و نیز کتابی در باب ناسخ و منسوخ نام برده است.<sup>۲</sup> همچنین قاضی و رجالی اهل سنت، ابویعلی خلیلی (م. ۴۶۶ق)، «إسماعیل بن ابی‌زیاد الشامی» را به عنوان نویسنده مشهورترین تفسیر منسوب به ابن‌عباس و نیز خدمتگزار مهدی عباسی و معلم بچه‌های او معرفی کرده است.<sup>۳</sup> جالب توجه است که ابن‌عقده (م. ۳۳۲ق)، رجالی معاصر طحاوی و نیز ابن‌شاهین (م. ۳۸۵ق)، محدث و رجالی قرن چهارم، نیز این فافاء را متحد با «إسماعیل بن ابی‌زیاد» می‌دانند.<sup>۴</sup>

تقریباً هم‌زمان با طحاوی، ابوجعفر محمد بن عمرو عقیلی (م. ۳۲۲ق) در الضعفاء عنوانی مشابه را ذکر کرده است: «إسماعیل بن مسلم الیشکری، عن ابن‌عون، لا يعرف بنقل الحدیث و حدیثه منکر، غیر محفوظ، بصری» و سپس حدیثی از او را با این سند نقل کرده است: «... مسعود بن موسی بن مشکان قال حدثنا إسماعیل بن مسلم الیشکری قال حدثنا عبد‌الله بن عون...».<sup>۵</sup> در کتب پس از او، همین روایت با دو طریق متفاوت دیگر از مسعود بن موسی از اسماعیل بن مسلم به‌جامانده، ولی به جای یشکری در آنها، سکونی ثبت

متحد با او باشد. اما باید توجه داشت که ابن‌جریح از افراد بسیار کوچکتر از خود، مثل سفیان بن عیینه (م. ۱۹۸ق) نیز نقل می‌کرده است.

۱. عبدالرزاق، مصنف، ج ۲، ص ۲۸۴.

۲. ابن‌ندیم، فهرست، صص ۴۶ و ۵۰.

۳. خلیلی، ارشاد، ج ۱، ص ۴۴۸. برای اتحاد نویسنده تفسیر با سکونی، ن. ک: علی عادل‌زاده، همان، بخش ۲.

۴. برای نظر ابن‌عقده، ن. ک: خطیب، موضح، ج ۱، ص ۴۱۹. برای توضیح بیشتر، ر. ک: بخش ۲/۳ از همین مقاله. ابن‌شاهین نیز «إسماعیل کندی»، شیخ بقیة‌بن‌ولید را متحد با «إسماعیل بن ابی‌زیاد شامی» می‌داند و می‌نویسد: «و يعرف بفافاء، ولیس هو عند أهل العلم بداخل فی أهل الثبت» (ابن‌شاهین، الجزء الخامس من الأفراد، ص ۲۱۹). خطیب نیز در المتفق والمفترق، ج ۱، ص ۳۶۳ روایتی از «إسماعیل بن زیاد فافاء» را به نیت تفریق بین او و اسماعیل سکونی آورده است. اما طریق آن روایت از ابن‌عقده (احمد بن محمد بن سعید - جعفر بن عبد‌الله محملی - حسن بن حسین) عیناً مشابه طریقی است که نجاشی برای کتاب سکونی به روایت حسن بن حسین فارسی ذکر کرده است، (نجاشی، رجال، ص ۵۱. در طریق نجاشی، «حسن بن حسین عن السکونی»، به «حسن بن حسین السکونی» تصحیف شده است.) که نشانگر اتحاد این دو است.

۵. عقیلی، ضعفاء، ج ۱، ص ۹۳.

شده است.<sup>۱</sup> احتمالاً به دلیل شباهت رسم، اشتباهی نگارشی در اسانید در دست عقیلی رخ داده<sup>۲</sup> که موجب شده نسب سکونی به یشکری تصحیف شود. این تصحیف منجر به این شده که عقیلی، این راوی را بصری بیندارد؛ زیرا قبیله بنی یشکر در کوفه اقامت نداشته و مقیم بصره بوده‌اند.<sup>۳</sup> ذهبی نیز این مدخل عقیلی را مرتبط با «إسماعیل بن مسلم سکونی» می‌داند.<sup>۴</sup>

همچنین ابوزکریا یزید بن محمد ازدی موصلی (م. ۳۳۴ق) در کتاب تاریخ موصل که قاضیان و والیان موصل را به صورت سال‌شمار گزارش کرده، قاضی موصل را در سال‌های ۱۷۴ تا ۱۸۰ قمری، فردی به نام «إسماعیل بن زیاد دؤلی (دولابی)» دانسته، و زمان نصب و سپس ماجرای عزل او توسط هارون عباسی را بیان کرده است. همچنین از جویر، محمد بن طلحه و اسماعیل بن عیاش به عنوان مشایخ او نام برده است.<sup>۵</sup> اما خطیب بغدادی، احتمالاً بر اساس اطلاعاتی که از ابوالفتح ازدی (م. ۳۶۹ق) رجالی اهل موصل در دست داشته، قاضی موصل را با عنوان «إسماعیل بن (أبی) زیاد» معرفی کرده و در ادامه، «إسماعیل بن زیاد دولابی» را فرد دیگری دانسته که متعلق به طبقه‌ای دیگر است.<sup>۶</sup> ابوزکریا موصلی و ابوالفتح ازدی، هر دو پس از معرفی قاضی موصل، روایت یکسانی را از او نقل

۱. خطیب، تاریخ بغداد، ج ۲، ص ۱۰۶ و ابن بشکوال، الآثار المروية، ص ۲۳۱، هر دو به نقل از کتب ابونعیم اصفهانی (م. ۴۳۰ق) اما با دو طریق متفاوت؛ قس: ابن جوزی، الموضوعات، ج ۲، صص ۲۸۶-۲۸۷.
۲. البته ممکن است این تصحیف بعدتر از مؤلف در نسخه کتاب او رخ داده باشد؛ چرا که در نسخه‌ای که کنانی از الضعفاء عقیلی در دست داشته این تصحیف مشاهده نمی‌شود: «من حدیث أبی هريرة ولا یصح فیه إسحاق بن وهب وإسماعیل بن مسلم السکونی (قلت) کذا فی الأصل السکونی والذی فی لسان المیزان الیشکری نسبة إلی بنی یشکر وقال العقیلی: إسماعیل لا یعرف» (الکنانی، تنزیه الشریعة، ج ۲، ص ۲۳۵).
۳. برای مهاجرت بنی یشکر، بطن بکر بن وائل به بصره، ن. ک: خلیفة بن خیاط، طبقات، ص ۳۴۳.
۴. ذهبی، میزان الإعتدال، ج ۱، ص ۲۵۱.
۵. ازدی، تاریخ موصل، ج ۱، صص ۵۰۴-۵۱۹. در تنها نسخه فعلی از کتاب، این نسبت به صورت «الدؤلی» و در نقل ابن اثیر موصلی (که از همین تاریخ موصل ازدی استفاده کرده) این نسبت به صورت «الدولابی» ضبط شده است (جزری، الکامل، ج ۶، ص ۱۲۱). به نظر می‌رسد هر دو ضبط نادرست باشند؛ چراکه بسیاری از اسامی ناشناس در این کتاب، بر اثر تصحیح‌های اجتهادی نادرست توسط نویسنده یا یک ناسخ متقدم، دچار تصحیف و تحریف یا اضافات شده‌اند؛ برای توضیح بیشتر: عبایجی، التصحیف والتحریف فی کتاب تاریخ الموصل لأبی زکریا الأزدی (روایات خلیفة بن خیاط نموذجاً)، مجلة دراسات موصلیة، ش ۵۳، سرتاسر.
۶. خطیب، المتفق والمفترق، ج ۱، صص ۳۶۵-۳۶۶ و ۳۷۵. او از مالک بن انس (م. ۱۷۸ق) و ابویوسف قاضی (م. ۱۸۱ق) روایت می‌کرده است.

کرده‌اند،<sup>۱</sup> که نشان‌دهنده وحدت آنهاست. سِمَت قضاوت موصل برای «إسماعیل بن زیاد»، یادآور علائق عباسی «إسماعیل بن ابی‌زیاد الشامی» است که ابویعلی خلیلی در معرفی او ذکر کرده بود.

در نیمه قرن چهارم، ابن حبان (م. ۳۵۴ق) در کتاب مجروحین، از راوی ضعیفی با نام «إسماعیل بن زیاد» یاد کرده و نوشته است: «شیخ دجال، لا یحل ذکره فی الحدیث، إلا علی سبیل القدح فیه».<sup>۲</sup> سپس به عنوان نمونه، روایتی از او را در ذم زبان‌های عجم ذکر کرده که در آن راوی از اسماعیل، ابوعصمه عاصم بن عبدالله و شیخ او، غالب بن خطاف قطان (م. ۱۵۰ق) است.<sup>۳</sup> علاوه بر محقق کتاب، بسیاری از رجالیان متأخر اهل سنت نیز، این مدخل ابن حبان را مرتبط با «إسماعیل بن ابی‌زیاد» معروف می‌دانند.<sup>۴</sup> همان‌طور که بحث شد، ابوعصمه از راویان معروف «إسماعیل بن ابی‌زیاد» بوده<sup>۵</sup> و لذا این داوری صحیح است. گفتمی است عبارت «شیخ دجال» یکی از تندترین داوری‌های ابن حبان است که آن را برای تعداد اندکی از ضعفا به کار برده است.<sup>۶</sup> مشابه این داوری تند، از رجالی معاصر او، ابوالفتح ازدی (م. ۳۶۹ق) نیز نقل شده است. بنا بر نقل ابن حجر، ابوالفتح ازدی،

۱. شیخ اسماعیل در نقل ابوزکریا موصلی، محمد بن طلحه و در نقل ابوالفتح ازدی، شعبه و روح بن مسافر است. اولی می‌بایست صورت تصحیف شده دومی باشد.

۲. ابن حبان، المجروحین، ج ۱، ص ۱۵۰.

۳. مقدسی و نیز ابن جوزی نیز این حدیث را با متن و سند مشابه نقل کرده‌اند: «حدثنا أبو عصمة عاصم بن عبد الله البجلي حدثنا إسماعیل بن زیاد عن غالب القطان عن المقبری عن أبي هريرة عن النبي ﷺ قال: أبغض الكلام إلى الله عز وجل الفارسية، وكلام الشياطين الخوزية وكلام أهل النار البخارية وكلام أهل الجنة العربية». (ابن جوزی، الموضوعات، ج ۳، ص ۷۲؛ مقدسی، أحسن التقاسیم، ص ۴۱۸) مضمون این روایت قابل مقایسه است با روایتی از سکونی درباره زبانی که ملائکه نماز را با آن زبان بالا می‌برند (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۱۹).

۴. برای نمونه: ابن قیسرانی، تذكرة الحفاظ، صص ۷-۸؛ مغلطای، إكمال تهذیب الكمال، ج ۲، ص ۱۷۳؛ ذهبی، تاریخ الإسلام، ج ۴، ص ۵۸۱. تنها ابن حجر، به خاطر بلخی بودن راوی احتمال داده است که این إسماعیل بن زیاد همان ابواسحاق بلخی باشد که بلخیان از او روایت می‌کردند (ابن حجر، تهذیب التهذیب، ج ۱، ص ۱۵۱) که به دلیل تأخر طبقه ابواسحاق بلخی و نیز با توجه به راوی از اسماعیل در این سند، این داوری نادرست است.

۵. ر.ک: ص ۱۲۶، پاورقی ۱.

۶. برای معنا و موارد کاربرد تعبیر دجال در رجال و به ویژه نزد ابن حبان، ر.ک: ALLISSA، «الدجاله في میزان الجرح والتعديل: كتاب المجروحین لابن حبان نموذجاً»، TOKAT İLMİYAT DERGISI، ۹، Vol. ۲، No. ۲، سرتاسر.

«إسماعيل بن أبي زياد الشقري [الشعيري]» را «كذاب خبيث» نامیده است.<sup>۱</sup>

### ۳/۲. رجالیان متأخر اهل سنت و تطبیق عناوین مشابه

در سیر تدوین کتب رجالی اهل سنت، از میانه قرن چهارم، با افزایش تعداد عناوین نزدیک به هم، مؤلفین به تدریج شروع به تعیین رابطه این عناوین کردند و موارد متحد یا متمایز را مشخص ساختند. در این فرآیند، برخی رجالیان، به طور اجتهادی از ترکیب نام و کنیه و نسب در عناوین متحد موجود، عناوین جدیدی را به دست می‌دادند و برخی دیگر، متمایل بودند که هر نوع تفاوتی بین دو عنوان را دلیل بر تمایز آنها بدانند. دقت در متون مشلبه این کتب، ما را با شیوه کار این رجالیان آشنا می‌کند. همچنین تکرار متون یکسان در تألیفات رجالی، حکایت‌گر آن است که مواد و اطلاعات کتب متقدم با تکمله‌ها و زیاداتی، عیناً به کتب متأخر راه یافته است. هر چند از قرون پنجم و ششم، مؤلفین اهل سنت شروع به نام‌بردن منابع خود کردند؛ اما پیش‌تر، بسیاری از تدوین‌کنندگان کتب رجالی، نیازی به ذکر منبع خود نمی‌دیدند و صرفاً با نقل سخنان پیشینیان، نکات خود را در ادامه می‌افزودند. بنابر این، برای تشخیص نحوه قضاوت یک رجالی نسبت به اتحاد یا تمایز عناوین، توجه به منابع پیشین از اهمیت بسزایی برخوردار است.

ابن عدی (م. ۳۶۵ق) یکی از اولین رجالیانی است که به تعیین رابطه عناوین مختلف پرداخته است. وی در الکامل فی الضعفاء، نظر خود را نسبت به راوی مورد بحث این‌گونه بیان کرده است: «إسماعیل بن زیاد وقیل: ابن‌ابی‌زیاد السکونی قاضی الموصل، أظنه کوفياً منکر الحدیث». در این معرفی، دو نکته جدید گوشزد شده است: یکی نسبت راوی به قبیله سکون و دیگری منصب قضاوت او در شهر موصل. با توجه به سیر نگارش کتب رجال اهل سنت و شیوه ابن‌عدی به نظر می‌رسد که او این دو مورد را از کتب پیش از خود به صورت اجتهادی استخراج کرده باشد.<sup>۲</sup> سپس در ادامه برای توضیح علت ضعف راوی، چند نمونه از

۱. ابن حجر، لسان المیزان، ج ۲، ص ۱۲۶. لازم به ذکر است ابوالفتح ازدی علائق شیعی زیادی داشته است (برای مثال، ن. ک: همان، ج ۷، ص ۹۰).

۲. مثلاً حدیث آخر ابن‌عدی با این سند روایت شده است: «إسماعیل بن‌ابی‌زیاد عن ثورین یزید، عن خالد بن معدان، عن معاذ بن جبل». از طرف دیگر می‌دانیم برخی راویان، مثل ابوعثمان سعید بن قاسم

احادیث او را آورده و در انتها می‌نویسد: «وإسماعیل بن ابی‌زیاد هذا، عامة ما يرويه لا يتابعه أحد عليه إما إسناداً وإما متناً»<sup>۱</sup> با دقت در آن احادیث معلوم می‌شود که هیچ یک از آنها گرایش شیعی راوی را نشان نمی‌دهد، بلکه مشکل‌شان غرابت متن یا سند است و اینکه در جای دیگری با این اسانید پیدا نمی‌شوند. در گزارش‌های پیشینیان نیز دیدیم که بر نقل مناکیب و موضوعات تأکید شده بود. کوفی بودن او را نیز ابوزرعه گفته بود.

در نقل‌های ابن‌عدی، راویان از اسماعیل، نائل بن نجیح، اسماعیل بن علی شعیری و عیسی بن موسی غنجر (م. ۱۸۵ق)<sup>۲</sup> هستند. گفتنی است برخلاف عنوان «إسماعیل بن زیاد» که ابن‌عدی در ابتدا آورده است، در تمامی اسانید نقل‌های او، راویان عنوان «إسماعیل بن ابی‌زیاد» را به کار برده‌اند.<sup>۳</sup> همچنین در این اسانید، مشایخ اسماعیل به ترتیب، ابن جریج (م. ۱۵۰ق)، شعبه بن حجاج (م. ۱۶۰ق)، سالم افطس (م. ۱۳۲ق) و ثور بن یزید

بغدادی از «إسماعیل بن ابی‌زیاد سکونی» روایاتی را با طریق مشابه «عن ثور عن خالد عن معاذ» نقل کرده‌اند (نسفی، القند، ص ۶۸۵). احتمالاً ابن‌عدی با تطبیق این اسانید، به اتحاد این عناوین پی برده است. درباره اتحاد با قاضی موصل هم ممکن است به نظر رسد که منبع ابن‌عدی برای عنوان «قاضی موصل»، کتاب تاریخ الموصل بوده است؛ چراکه از کلام مغلطای (م. ۷۶۲ق) برداشت می‌شود که او مهم‌ترین منبع معرفی قاضیان موصل را همین کتاب می‌دانسته است (مغلطای، إكمال تهذیب الکمال، ج ۲، ص ۱۷۳). پیشتر دیدیم که ابوزکریا ازدی موصلی «إسماعیل بن زیاد دولابی» را به عنوان قاضی موصل معرفی و برخی مشایخ او را ذکر کرده بود. در این فرض، ابن‌عدی، احتمالاً به دلیل تطابق طبقه و برخی مشایخ مثل جویبر، این عنوان را متحد با «إسماعیل بن ابی‌زیاد سکونی» دانسته است. اما با توجه به اینکه ابن‌عدی هیچ اشاره‌ای به دولابی بودن صاحب مدخل نمی‌کند، این احتمال مرجوح است و راجح آن است که اطلاع ابن‌عدی از قاضی موصل از طریق ابوالفتح ازدی و نه ابوزکریا رازی بوده است. بررسی منبع ابن‌عدی برای این اطلاعات و نیز صحت سنجی این اتحاد، نیازمند تحقیقی مجزا است. اما در هر حال، می‌توان مطمئن بود که چهار روایتی که ابن‌عدی از «إسماعیل بن ابی‌زیاد» ارائه کرده، ارتباطی به «إسماعیل بن زیاد دولابی» ندارد.

۱. ابن‌عدی، الکامل، ج ۱، ص ۵۱۰. این عبارت ابن‌عدی، نشانه قضاوت منفی او نسبت به اصالت اسانید صاحب ترجمه است.

۲. از میان راویان، تنها عیسی غنجر، راوی شناخته شده‌ای است که اهل بخارا بوده و قبرش در سرخس است (سمعانی، الأنساب، ج ۴، ص ۳۱۱). او روایات دیگری نیز از «إسماعیل بن ابی‌زیاد» داشته است (ثعلبی، الكشف والبیان، ج ۹، ص ۲۰۶؛ خطیب، تاریخ بغداد، ج ۶، ص ۶۱). احتمال دارد که اسماعیل بن علی شعیری نیز همان اسماعیل بن علی عمی ابوعلی بصری باشد (نجاشی، رجال، ص ۳۰).

۳. تنها روایت اول از «إسماعیل بن زیاد» است که با توجه به طریق دوم ابن‌عدی، این نام تصحیف از «إسماعیل بن ابی‌زیاد» است.



(م. ۱۵۳ق) هستند؛ که تمامی آنها شناخته شده بوده و از میان آنها، اولی، مکی و دوتای آخر شامی هستند. با توجه به سال فوت مشایخ و راویان، این «إسماعیل بن ابی زیاد سکونی» می‌بایست هم طبقه سکونی در حدیث شیعه باشد. اما نکته مهم‌تر، اشتراک مشایخ و طرق روایت «إسماعیل بن ابی زیاد» در مدخل ابن عدی، با مشایخ و طرق روایت «إسماعیل بن ابی زیاد سکونی» در شیعه است. علاوه بر یکی بودن نام، اصلیت و طبقه این دو راوی، برخی مشایخ و طرق روایت آنها نیز در شیعه و اهل سنت یکسان است.<sup>۱</sup> ابوطالب هارونی (م. ۴۲۴ق) نیز حدیثی را به نقل از ابن عدی از «إسماعیل السکونی» نقل کرده که در آن یکی از راویان متأخر در سند - به احتمال زیاد، ابن عدی - «إسماعیل السکونی» را همان «إسماعیل بن ابی زیاد» دانسته است.<sup>۲</sup> لذا «إسماعیل بن ابی زیاد» معرفی شده در کتاب ابن عدی، می‌بایست همان سکونی معروف در نزد شیعه باشد.

به عنوان آخرین رجالی قرن چهارم که از عناوین مشابهی یاد کرده، باید از دارقطنی (م. ۳۸۵ق) نام برد که از متقدم‌ترین و مهم‌ترین رجالیان اهل سنت در فن کشف اتحاد و تمایز راویان است. وی در الضعفاء والمتروکین در عبارتی کوتاه، نظر خودش را درباره اتحاد تعابیر مختلف مرتبط با راوی مورد بحث به روشنی بیان کرده است: «إسماعیل بن ابی زیاد، وهو إسماعیل بن مسلم السکونی، ويقال الشعیری؛ کوفی؛ عن داود بن ابی هند و ابن عون؛ یضع، کذاب، متروک».<sup>۳</sup> دارقطنی «إسماعیل بن ابی زیاد» را متحد با «إسماعیل بن مسلم

پیشینه

اسماعیل بن ابی زیاد سکونی در منابع عامه: عناوین، مشایخ و روایات موازی

۱. روایت اولی که ابن عدی آورده، با سند «إسماعیل بن ابی زیاد، عن ابن جریج، عن عطاء، عن ابن عباس» نقل شده است. در شیعه نیز شیخ صدوق، حدیثی از سکونی را با همین سند روایت کرده است: «محمد بن سعید بن غزوان عن السکونی عن ابن جریج عن عطاء عن ابن عباس» (ابن بابویه، ثواب الأعمال، ص ۱۷). همچنین روایت دوم ابن عدی از طریق «إسماعیل بن ابی زیاد، عن سالم الأقطس، عن سعید بن جبیر» قابل مقایسه است با روایت با واسطه «إسماعیل بن مسلم» از همین طریق در شیعه (ابن بابویه، ثواب الأعمال، ص ۲۱۳). در نهایت سند، روایت آخری که ابن عدی آورده: «إسماعیل بن ابی زیاد، عن ثور بن یزید، عن خالد بن معدان، عن معاذ بن جبل» عیناً مطابق سندی است که شیخ صدوق روایت کرده است (ابن بابویه، التوحید، ص ۳۴۳؛ قس: همین روایت از طریق «التوفلی عن السکونی» در قمی، تفسیر، ج ۲، ص ۲۱۰). بسیار بعید به نظر می‌رسد که دو «إسماعیل بن ابی زیاد سکونی کوفی» به صورت جداگانه، با یک طریق یکسان شامی و یک طریق یکسان مکی روایت کنند.

۲. هارونی، تیسیر المطالب، ص ۲۵۲.

۳. دارقطنی، الضعفاء والمتروکین، ص ۱۳۹.

السکونی» دانسته و سپس به مانند ابوزرعه و ابن عدی، او را کوفی الاصل و غیرقابل اعتماد می‌داند. خطیب بغدادی (م. ۴۶۳ق) و ابن ماکولا (م. ۴۷۵ق)، دو رجالی مشهور اهل سنت، نیز با این جمع‌بندی موافقتند.<sup>۱</sup>

این بیان دارقطنی «إسماعیل بن اَبی‌زیاد، وهو إسماعیل بن مسلم السکونی» حکایت‌گر آن است که «إسماعیل بن مسلم السکونی» در آن دوره برای محدثان اهل سنت، تعبیری نام‌آشنا بوده است. ممکن است این آشنایی، ناشی از تعبیر موجود در برخی اسانید پر تکرار باشد. می‌دانیم برخی راویان شیعه، مثل محمد بن سعید بن غزوان، از سکونی با نام «إسماعیل بن مسلم السکونی» روایت می‌کرده‌اند؛<sup>۲</sup> در حدیث اهل سنت نیز راویانی، مثل عیسی بن عثمان آجری و نیز مسعود بن موسی بن مشکان واسطی از «إسماعیل بن مسلم السکونی» روایت کرده‌اند.<sup>۳</sup> به خصوص که خطیب نیز «إسماعیل بن مسلم» را این‌گونه معرفی می‌کند: «ذکر إسماعیل بن اَبی‌زیاد السکونی... وهو إسماعیل بن مسلم الذی روی عنه عیسی بن عثمان الأجرى الکوفی». این بیان می‌تواند به این معنا باشد که اسماعیل بن مسلم سکونی در عامه از طریق روایت عیسی بن عثمان شناخته شده است.<sup>۴</sup>

اما احتمال بیشتر آن است که بیان دارقطنی مبنی بر اتحاد «إسماعیل بن اَبی‌زیاد» با «إسماعیل بن مسلم السکونی» ناظر به منابع رجالی پیش از خود باشد؛ چراکه شیوه دارقطنی در کتاب رجالی‌اش این‌گونه بوده که اشتباهات رجالیان پیشین را تذکر دهد و بحث‌های رجالی سابق را جمع‌بندی کند.<sup>۵</sup> در این مدخل، وی در پی آن بوده که سه عنوانی را که پیش

۱. خطیب، موضح، ج ۱، ص ۴۱۸؛ ابن ماکولا، إكمال الکمال، ج ۱، صص ۲۲۳-۲۲۴.

۲. ابن بابویه، الخصال، ج ۱، صص ۲۳۹ و ۲۳۸؛ باقی نقل‌های همین منبع از او هم، به جز یکی، با تعبیر مختصرشده «سکونی» آمده است.

۳. خطیب، همان؛ الکنانی، تنزیه الشریعة، ج ۲، ص ۲۳۵.

۴. طبق نقل نجاشی، پسر عیسی بن عثمان راوی کتاب محمد بن سعید بن غزوان (راوی سکونی) بوده است (نجاشی، رجال، ص ۳۷۲). این ارتباطات، نمی‌تواند بی‌مناسبت با وحدت تعبیر این دو راوی از اسماعیل بن اَبی‌زیاد باشد.

۵. دارقطنی به همین منظور کتابی با نام المؤلف والمختلف تألیف کرده و مواردی از اشتباهات رجالیان سابق را در تشخیص یکسان یا متمایز بودن اسامی راویان، تذکر داده است. این تألیف او، الگوی خطیب بغدادی در تألیف موضح أوهام الجمع والتفريق بوده است (خطیب، موضح، ج ۱، ص ۱۲). دارقطنی در الضعفاء والمتروکین نیز شیوه‌ای مشابه را دنبال کرده است.

از این در کتب الضعفاء مطرح شده بوده، بر هم تطبیق دهد: «إسماعیل بن ابی‌زیاد، وهو إسماعیل بن مسلم السکونی، ويقال الشعیری» به نظر می‌رسد بخش سوم گفته دارقطنی ناظر به عنوان «إسماعیل بن ابی‌زیاد الشعیری» باشد. پیش‌تر دیدیم که یحیی بن معین و ابوفتح ازدی «إسماعیل بن ابی‌زیاد شعیری» را کذاب و ابوحاتم رازی نیز او را مجهول می‌دانست. دارقطنی احتمالاً اشاره دارد که فرد مورد نظر آن رجالیان، همین «إسماعیل بن ابی‌زیاد» معروف است. همچنین با بررسی‌ای که در بخش قبلی این مقاله از مصادر رجالی متقدم داشتیم، معلوم شد که عقیلی (م. ۳۲۲ ق) در الضعفاء، به اشتباه «إسماعیل بن مسلم» را بصری پنداشته است. دارقطنی با اعتنایی که به تعبیر اسانید داشته، احتمالاً متوجه اشتباه عقیلی شده، آن را تصحیح کرده و عنوان «إسماعیل بن مسلم السکونی» را قابل تطبیق با عنوان مورد استفاده ابن عدی دانسته است.<sup>۱</sup> در هر حال، داوری دارقطنی درباره اتحاد این دو عنوان، با توجه به مشایخی که نام برده، درست به نظر می‌رسد؛ چرا که هم «إسماعیل بن ابی‌زیاد سکونی» و هم «إسماعیل بن مسلم سکونی» از ابن‌عون روایت کرده‌اند.<sup>۲</sup> همچنین دارقطنی در کتاب دیگرش، روایاتی از «إسماعیل بن مسلم السکونی» و نیز «إسماعیل بن زیاد» از داود بن ابی‌هند گزارش کرده است.<sup>۳</sup> علاوه بر این، در این تطبیق، شاید بتوان دارقطنی را متأثر از ابوالعباس ابن‌عقده (م. ۳۳۲ ق)، محدث و رجالی شهیر زیدیه دانست.<sup>۴</sup> دارقطنی از شاگردان ابن‌عقده بوده و در آثار رجالی خود

پیش‌شهر

۱. شاهد این مسئله، آن است که دارقطنی از میان مشایخ متعددی که برای «إسماعیل بن ابی‌زیاد» می‌شناخته (ن. ک: جدول پیوست، ر. ۴، ۲۲، ۳۷، ۵۳، ۷۸، ۹۲ و ۱۰۴ که برگرفته از اطراف الغرائب دارقطنی هستند)، تنها از داود بن ابی‌هند بصری (م. ۱۳۹ ق) و عبدالله بن‌عون بصری (م. ۱۵۰ ق) نام برده است. با توجه به اینکه در کتب رجالی به‌جامانده از چهار قرن اول، تنها عقیلی به روایت «إسماعیل بن مسلم» یا «إسماعیل بن ابی‌زیاد» از ابن‌عون اشاره کرده، می‌توان مطمئن بود که این بحث دارقطنی ناظر به الضعفاء عقیلی است. چنانکه ذهبی نیز در میزان الاعتدال، به این تناظر اشاره کرده است. وی در مدخل «إسماعیل بن مسلم السکونی» داوری و ضبط دارقطنی را تأیید کرده و بر اشتباه بودن ضبط عقیلی تأکید کرده است (ذهبی، میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۲۵۱).
۲. به ترتیب: مستغفری، فضائل القرآن، ج ۱، ص ۴۰۵؛ خطیب، تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۲۹۸؛ کنانی، تنزیه الشریعة، ج ۲، ص ۲۳۵. روایاتی از «إسماعیل بن ابی‌زیاد» از ابن‌عون نیز در دست است (مستغفری، همان).
۳. ابن‌قیسرانی، اطراف الغرائب، ج ۲، ص ۸۶ که برگرفته از کتاب غرائب دارقطنی است.
۴. استاد محمدجواد شبیری در تأیید این حدس آخر، نکاتی ارزشمند را اضافه کردند که برای رعایت امانت، عین عبارات ایشان ذکر می‌گردد: «مؤید نظارت دارقطنی [بر] ابن‌عقده، عبارت رجال شیخ طوسی در باب اصحاب الصادق (ص ۱۶۰، ش ۱۷۸۸) است که می‌گوید: «إسماعیل بن مسلم و هو ابن ابی‌زیاد السکونی الکوفی». چنانچه صاحب این قلم، در مقاله «ارتباط رجال شیخ و رجال برقی» [مجموعه آثار

بارها به کتب او مراجعه کرده است.<sup>۱</sup> طبق نقلی از خطیب، ابن عقده نظرش را درباره اتحاد این عناوین این گونه اعلام کرده است: «إسماعیل بن مسلم، وهو ابن أبي زياد... ويقال له: إسماعیل الكندي الذي روی عنه بقية بن الوليد... وقيل: هو فافاه الذي روی عنه ابن جريج... قيل: هو إسماعیل بن مسلم السكوني، وهو ابن أبي زياد، وهو فافاه الذي يحدث عن الأعمش»<sup>۲</sup> و طبق نقلی دیگر: «هو ابن أبي زياد، وهو إسماعیل بن مسلم مولى السكون، وهو فافاه الذي يحدث عنه ابن جريج، وهو إسماعیل الكندي الذي يحدث عنه بقية»<sup>۳</sup>. در این نقل‌ها، عنوان «إسماعیل الكندي» به نقل‌های بقية بن ولید شامی (م. ۱۹۷ق)، محدث مشهور به تدلیس، از سکونی اشاره دارد که به دلیل ضعف حدیثی وی، از او با این عنوان یاد می‌کرده است.<sup>۴</sup>

شایان ذکر است ابن عقده به دلیل دسترسی همزمان به منابع حدیثی شیعه امامیه، زیدیه، حنفیان<sup>۵</sup> و اهل حدیث، بیش از دیگران از این اتحاد مطلع بوده است. به لطف این دسترسی گسترده، وی از عناوین مختلف سکونی آگاه بوده، و مثلاً در اسانید خود تنها با دو واسطه از سکونی با عناوین «إسماعیل بن مسلم»، «إسماعیل بن زیاد»، «إسماعیل بن أبي زياد» و نیز «سکونی، شیخ نوفلی» روایت می‌کرده است.<sup>۶</sup>

- 
- دومین کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام، انتشارات کنگره، ۱۳۶۶ش [به تفصیل به اثبات رساننده است، این عبارت برگرفته از رجال ابی عبدالله تعریف ابن عقده است. کتاب رجال ابن عقده، در اختیار دارقطنی بوده و از آن در المؤلف و المختلف با تصریح و گاه بدون تصریح نقل می‌کند.]
۱. مقدمه محقق بر دارقطنی، المؤلف والمختلف، ج ۱، صص ۱۱۷-۱۱۸.
  ۲. خطیب، موضح، ج ۱، ص ۴۱۹.
  ۳. ابن ماکولا، إكمال الکمال، ج ۱، ص ۲۲۴. اینجا، جعابی نام ابن عقده را تدلیس کرده و از او با عنوان «أحمد بن زياد بن عجلان» یاد کرده است.
  ۴. به عنوان نمونه: جدول پیوست، ردیف‌های ۱۸ و ۴۷. برای شیوه تدلیس بقية بن ولید، بنگرید: مغلطای، إكمال تهذیب الکمال، ج ۳، ص ۹.
  ۵. در بخش ۲/۲ از همین مقاله، درباره کتاب مسند ابوحنیفه ابن عقده و روایات به جامانده از او گفت‌وگو شد.
  ۶. به ترتیب: خطیب، موضح، ج ۱، ص ۴۱۸؛ خطیب، المتفق والمفترق، ج ۱، ص ۳۶۳؛ الحارثی، مسند الإمام الأعظم أبي حنيفة، ج ۱، صص ۳۶۰ و ۳۶۸؛ ابن رازی قمی، جامع الأحادیث، ص ۱۰۶. برای تطبیق اسماعیل بن زیاد در منبع دوم، قس: نجاشی، رجال، ص ۵۱ که در آن «حسن بن حسین عن السکونی»، به «حسن بن حسین السکونی» تصحیف شده است و برای تطبیق راویان طریق در منبع سوم، ن. ک: همین مقاله، بخش ۲/۲.

## جمع‌بندی نظر رجالیان اهل سنت درباره اتحاد عناوین

تا بدین جا تمامی رجالیان قرن سوم و چهارم اهل سنت، هر کدام تنها از یک «إسماعیل بن اُبی‌زیاد» نام برده‌اند و عنوان مشابه دیگری را ذکر نکرده‌اند. تنها اختلافی که مشاهده می‌شود در جزئیاتی مثل اصلیت یا محل سکونت اسماعیل، و نیز تطبیق او با برخی راویان دیگر است. بنابر این، می‌توان مطمئن بود که از نظر رجالیان متقدم، تنها یک راوی شناخته شده با نام «إسماعیل بن اُبی‌زیاد» وجود داشته است.<sup>۱</sup> در تمامی موارد ذکر عنوان «إسماعیل بن اُبی‌زیاد»، طبقه راوی یکسان بوده و در بسیاری از آنها نیز یا شیخ یا راوی مشابه است. این مسئله، در کنار ذکر نشدن لقب یا نسب برای او، می‌تواند مؤید فرضیه اتحاد بیشتر این موارد باشد. برای یادکرد از این راوی، برخی راویان، مثل سعید بن القاسم و عبد الحمید بن صالح تعبیر «إسماعیل بن اُبی‌زیاد السکونی»، و برخی مثل عیسی بن عثمان و مسعود بن موسی تعبیر «إسماعیل بن مسلم السکونی» و برخی دیگر مثل منابع یحیی بن معین و ابوحاتم تعبیر «إسماعیل بن اُبی‌زیاد الشعیری» را استفاده کرده‌اند.<sup>۲</sup>

همان‌طور که بیان شد ابن عدی «إسماعیل بن اُبی‌زیاد» را متحد با «سکونی» و نیز «إسماعیل بن زیاد» قاضی موصل دانسته است. با توجه به اینکه قبل از ابن عدی، تنها عقیلی از «إسماعیل السکونی» یاد کرده، احتمالاً منظور ابن عدی از اتحاد با سکونی، اتحاد با فرد مورد نظر عقیلی است. دیدیم که ابن عقده و در پی او، دارقطنی، با دلایلی مشابه به همین اتحاد رسیده‌اند. پس از آنها، ابن جوزی نیز، فرد مورد اشاره توسط ابن حبان، ابن عدی و دارقطنی را یک نفر می‌داند.<sup>۳</sup> ذهبی نیز داوری‌های یحیی بن معین، ابن حبان، ابن عدی و دارقطنی را ناظر به یک شخص می‌داند.<sup>۴</sup>

۱. برخی رجالیان اهل سنت به درستی گوشزد کرده‌اند که اگر در منبعی رجالی تنها یکی از چند عنوان مشابه آمده باشد، بدین معنا است که نویسنده آن منبع، قائل به اتحاد صاحبان آن عناوین بوده است: «إختلف أهل العلم هل زيد بن جارية ويزيد بن جارية واحد أم هما أخوان، فمنهم من اقتصر على تسمية زيد، ومنهم من اقتصر على تسمية يزيد، وهذا يعني أنهما واحد واختلف في اسمه...» (حایک، زید بن جاریة...).

۲. البته بیشترین تعبیر استفاده شده، «إسماعیل بن اُبی‌زیاد شامی» است که اکثر قریب به اتفاق موارد استعمال آن در طرق نقل از کتاب تفسیر سکونی به روایت ابن خزر صوفی آمده است؛ برای توضیح بیشتر، ن. ک: عادل‌زاده، همان، بخش ۲/۲.

۳. ابن جوزی، الموضوعات، ج ۳، ص ۷۲.

۴. ذهبی، تاریخ الإسلام، ج ۴، ص ۵۸۱.

ابن حجر نیز معتقد است راوی مورد نظر ابوزرعه و دارقطنی همین سکونی است.<sup>۱</sup> بنا بر این، می‌توان نتیجه گرفت که عنوان «إسماعیل بن ابی‌زیاد» که یحیی بن معین، بخاری، ابوزرعه، ابن حبان، ابن عدی و... ذکر کرده‌اند، به راوی واحدی اشاره دارد که از منظر عموم رجالیان، کوفی و ضعیف بوده، و از مشایخی چون ثور بن یزید، اسرائیل بن یونس، ابن جریر و ابن عون روایت کرده است و راویانی همچون ابوعصمه عاصم بن عبیدالله نخعی، عیسی بن موسی غنجر و عیسی بن عثمان آجری از او روایت کرده‌اند. گاهی از او با نسبت‌های سکونی یا شعیری یاد کرده‌اند و گاهی از پدرش با کنیه «أبی‌زیاد» و گاهی با نام «مسلم» یاد کرده‌اند.

در بخش قبل مشاهده شد که نام، طبقه، اصالت کوفی، برخی مشایخ و اسانید، و نیز برخی راویان «إسماعیل بن ابی‌زیاد» سنی در رجال اهل سنت، با «إسماعیل بن ابی‌زیاد» حاضر در حدیث شیعه یکسان است. همچنین در بخش ۲/۲ از همین مقاله، مرویات مشترک متعددی از سکونی در شیعه با «إسماعیل بن ابی‌زیاد» یا «إسماعیل بن مسلم» در اهل سنت ارائه شد.<sup>۲</sup> در مجموع، این نکات ما را به این نتیجه می‌رساند که «إسماعیل بن ابی‌زیاد» معروف در اهل سنت، همان «إسماعیل بن ابی‌زیاد مسلم السکونی الشعیری الکوفی» است که رجالیان شیعه معرفی کرده‌اند. تنها چند نکته درباره این «إسماعیل بن ابی‌زیاد» معروف باقی می‌ماند: یکی محل سکونت او که بنا به نقل یحیی بن معین، خراسان بوده، ولی در نقل‌های دیگران مسکوت باقی مانده است.<sup>۳</sup> البته با توجه به اینکه رجالیان شیعه و اهل سنت، به کوفی بودن او تصریح کرده‌اند، مسأله محل سکونت که می‌تواند غیر واحد باشد، تأثیری در بحث از اتحاد ندارد.<sup>۴</sup> نکته دیگر، قضاوت او در موصل است که بنا بر نقل ابن عدی، مربوط به همین راوی است؛ اما خطیب بغدادی، به گونه دیگری قضاوت کرده و این سمت را متعلق به راوی دیگری می‌داند. وی، سه

۱. ابن حجر، تهذیب التهذیب، ج ۱، ص ۳۰۱.

۲. از جمله روایات خاصی که ابوزرعه از «إسماعیل بن ابی‌زیاد» آورده بود و با روایت برقی از اسماعیل بن مسلم شعیری یکی بود.

۳. تنها طرابلسی از او به عنوان «صاحب ابومسلم» یاد می‌کند (سبط ابن عجمی، الکشف الحثیث، ص ۷۱) که می‌تواند به مصاحبت او با ابومسلم خراسانی دلالت کند، اما احتمالاً این عبارت تصحیف «صاحب ابن عون» باشد (قس: ذهبی، میزان الإعتدال، ج ۱، ص ۲۵۱).

۴. در برخی اسانید نیز، عنوان «إسماعیل بن ابی‌زیاد شامی» آمده که در مقاله دیگری به آن پرداخته شده است: عادل‌زاده، همان، بخش ۲/۲.

راوی را با نام اسماعیل بن ابی زیاد، به ترتیب شهرت، به صورت زیر فهرست کرده است:<sup>۱</sup>

۱. إسماعیل بن ابی زیاد السکونی، ابوالحسن الشامی: سکن خراسان وحدث عن هشام بن عروة وثور بن یزید وبرد بن سنان ومحمد بن بشر بن بشیر الأسلمی وعبدا لله بن عوف ابن أرتبان وغيرهم. روی عنه عیسی بن موسی غنجر ویحیی بن حسن بن فرات وعثمان بن عیسی الآجری الکوفیان، وعبدا لله بن سلیمان بن یوسف العبدی الشامی وبشر حجر الشامی. قول دارقطنی: أخبرنا ابوبکر أحمد بن محمد بن غالب الفقیه قال سألت أبا الحسن الدارقطنی عن إسماعیل بن ابی زیاد قال هو إسماعیل بن مسلم السکونی متروک يضع الحدیث.
۲. إسماعیل بن ابی زیاد مولى الضحاک: حدث عن یونس بن عبید وهشام بن حسان<sup>۲</sup> روی ابوحنیفة محمد بن حنیفة بن ماهان عن وجوده فی کتاب جده عنه.
۳. إسماعیل بن ابی زیاد قاضی الموصل: حدثنی ابوبکر محمد بن أحمد الغزال أخبرنا محمد بن جعفر الشروطی أخبرنا ابوالفتح محمد بن الحسن الأزدی الحافظ قال إسماعیل بن ابی زیاد قاضی الموصل یروی عن ابی جزى نصر بن طریف فی حدیثه مناکیر. نظر خطیب آن است که این «إسماعیل بن ابی زیاد سکونی» که راوی از ثور، هشام و... بوده (راوی اول)، شامی بوده و همان «إسماعیل بن ابی زیاد» معروف است؛ اما وی با ابن عدی در باب اتحاد این راوی با «إسماعیل بن ابی زیاد قاضی موصل» اختلاف نظر دارد. بنا به شواهد متعدد، به نظر می رسد که حق با ابن عدی بوده و قاضی موصل، همان اسماعیل سکونی باشد.<sup>۳</sup>

پوهنځی  
پوهنځی

۱. خطیب، المتفق والمفترق، ج ۱، صص ۳۶۲-۳۶۵.

۲. شاهد مهمی که برای قضاوت درباره افتراق یا اتحاد این راوی با سکونی باید بررسی شود، سند مشابهی است که در تفسیر البیان از اسماعیل بن ابی زیاد شامی روایت شد: «إسماعیل، عن یونس بن عبید الخزاز وهشام بن ریان، عن الحسن...» (فسوی، البیان، ۱۰۸). بسیار بعید است که دو اسماعیل بن ابی زیاد مجزا از هم با این سند توأمان شاذ روایت کنند. لذا به نظر می رسد که اینجا نیز سندی از اسماعیل بن ابی زیاد معروف در اختیار منبع خطیب بوده که یکی از راویان متاخر، اسماعیل را در آن سند، با عنوان «مولى الضحاک» معرفی کرده و این معرفی اشتباه، موجب توهم افتراق شده است. این سوء تفاهم شاید به خاطر کثرت نقل جویبر عن الضحاک در میراث اسماعیل بن ابی زیاد یا به خاطر برخی نقل های مرسل «إسماعیل عن الضحاک» در تفسیر او (برای نمونه، ن.ک: فسوی، البیان، ص ۱۰۳) رخ داده است.

۳. از جمله می توان به اشتراک اسماعیل سکونی با اسماعیل قاضی موصل در مشایخی مثل شعبه و جویبر اشاره کرد. همچنین برخی مشایخ سکونی، موصلی یا متعلق به اطراف موصل بوده اند. احادیث مشترکی، مثل «من الشَّعْر لِحکمة» از اسماعیل سکونی و اسماعیل قاضی موصل نقل شده است (ابن قیسرانی، اطراف، ج ۳، ص ۲۳۶؛ و مقدسی، الأحادیث المختارة، ج ۲، ص ۱۲۱). علاوه بر این، در برخی منابع، «إسماعیل بن ابی زیاد

اما با توجه به اینکه از «اسماعیل بن ابی‌زیاد قاضی موصل» روایات متعددی باقی نمانده<sup>۱</sup>، این بحث تأثیر چندانی در شناسایی اسماعیل بی‌ابی‌زیاد موجود در اسانید اهل سنت ندارد. نکته اختلافی مهم‌تر بین خطیب و پیشینیانش، شامی بودن یا کوفی بودن راوی ما است. مغلطای با خطیب موافق است و بر شامی بودن اسماعیل بن مسلم سکونی تأکید می‌کند.<sup>۲</sup> همچنین بسیاری از بزرگان رجالی اهل سنت نیز به پیروی از خطیب، او را اسماعیل بن ابی‌زیاد سکونی شامی خوانده‌اند.<sup>۳</sup> شاید شامی بودن سکونی به معنای ولادت در شام نباشد؛ بلکه به خاطر ارتباط قبیلۀ او<sup>۴</sup> با شامات، یا اقامت موقت او در شام بوده باشد. چنان‌که ابویعلی به اقامت او در بغداد در خدمت مهدی عباسی و یحیی بن معین به اقامت او در خراسان اشاره می‌کند.<sup>۵</sup> به نظر می‌رسد علت این تشخیص خطیب، نظر او مبنی بر اتحاد «اسماعیل بن ابی‌زیاد» معروف با «اسماعیل بن ابی‌زیاد الشامی» است<sup>۶</sup> و به معنای این نیست که خطیب به یک راوی جدید اشاره داشته است؛ چنان‌که او در ادامه معرفی راوی، نظر دارقطنی را در باب همین راوی آورده است. علاوه بر این، خطیب در همین کتاب خود، پنج نفر با نام «اسماعیل بن مسلم» نام برده که در میان آنها، راوی‌ای به نام «ابوالحسن اسماعیل بن مسلم سکونی» به چشم می‌خورد. خطیب نیز به مانند دارقطنی این راوی را متحد با «اسماعیل بن ابی‌زیاد» معروف

الشامی» که متحد با سکونی است (ن.ک: عادل‌زاده، همان، سرتاسر) را به عنوان فردی در خدمت مهدی عباسی و به عنوان معلم بچه‌های او معرفی کرده‌اند (خلیلی، ارشاد، ج ۱، ص ۴۴۸) که همبستگی زیادی با سمت قضاوت دارد. همچنین می‌دانیم که مذهب عموم قاضیان دوره مهدی عباسی به بعد، حنفی بوده است. در بخش ۲/۱ از همین مقاله نیز معلوم شد که «اسماعیل بن ابی‌زیاد» شاگرد ابوحنیفه، همان اسماعیل سکونی است. برای شواهد دیگری از ارتباطات عباسی سکونی و حنفی‌گری او، ر.ک: اکبری و قندهاری، «اسماعیل بن ابی‌زیاد سکونی: ...»، مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، ش ۶۹، صص ۱۵-۱۷.

۱. جدول پیوست، ردیف‌های ۸۷، ۹۵ و ۹۷.

۲. مغلطای، شرح سنن، ۷۹.

۳. خطیب، موضح، ج ۱، ۴۱۷؛ ابن جوزی، تلخیص فہوم، ص ۳۶۷؛ ابن حجر، لسان المیزان، ج ۲، ص ۱۲۶؛ ذہبی، میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۲۳۲.

۴. لازم به ذکر است ابن‌ماکولا ارتباط اسماعیل بن ابی‌زیاد معروف با قبیلۀ سکون را ارتباطی از جنس پیمان‌ولاء می‌داند: «اسماعیل هو ابن ابی‌زیاد، وهو اسماعیل بن مسلم مولى السکون» (ابن‌ماکولا، إكمال الکمال، ج ۱، ص ۲۲۳).

۵. خللی، ارشاد، ج ۱، ص ۱۱۷.

۶. این مطلب، در مقاله مستقلی در همین شماره از مجله حاضر با عنوان «بررسی نسبت اسماعیل بن ابی‌زیاد شامی صاحب تفسیر و اسماعیل بن مسلم سکونی راوی امام صادق (ع)» به قلم علی عادل‌زاده، بررسی شده است.



می‌داند.<sup>۱</sup> همچنین وی در کتاب الموضح خود، به طور کامل نظرات ابن عقده را در باب اتحاد آورده و به طور ضمنی، با آنها موافقت کرده است.<sup>۲</sup> بنابر این می‌توان گفت بین خطیب و دارقطنی اختلافی در شناسایی «إسماعیل بن ابی‌زیاد» و اتحاد او با سکونی نیست؛ بلکه تنها اختلاف نظر آنان، درباره کوفی یا شامی بودن این راوی است.<sup>۳</sup>

### جمع بندی و نتیجه گیری

در حدیث اهل سنت، «إسماعیل بن ابی‌زیاد»، غالباً به یک راوی کوفی واحد در قرن دوم انصراف دارد که در خدمت حاکمان عباسی و نیز اهل تفسیر بوده و عمدتاً تضعیف شده است. مهم‌ترین مشایخ او عبارتند از: ابان بن ابی‌عیاش، بردبن سنان، جویبر، ضرار بن عمرو، عبدالله بن عون، ثورین یزید، هشام بن عروه، ابن جریج، محمد بن عجلان و ابوحنیفه. مهم‌ترین راویان او در اهل سنت، عبارتند از: ابوعصمه عاصم بن عبیدالله، عبدالحمید بن صالح، سعید بن قاسم بغدادی، عیسی بن عثمان آجری، مسعود بن موسی واسطی و بقیة بن ولید. راویان مختلف، عموماً از او با عنوان «إسماعیل بن ابی‌زیاد» یا «إسماعیل بن مسلم سکونی» یاد کرده‌اند که اولی گاه به «إسماعیل بن زیاد» تصحیف شده است و گاه از او با عناوینی مثل «إسماعیل بن ابی‌زیاد شامی»، «فافا»، «إسماعیل الکندی» و یا با کنیه «ابوالحسن» نیز یاد شده است.

با توجه به اتحاد مشایخ، مرویات و نیز اسانید، این راوی همان «إسماعیل بن ابی‌زیاد السکونی» مشهور در حدیث شیعه است که گاه از او با عنوان «شعیری» نیز یاد شده است. تمامی رجالیان قرن سوم و چهارم اهل سنت نیز، تنها همان یک «إسماعیل بن ابی‌زیاد» را

۱. خطیب، المتفق والمفترق، ج ۱، ص ۳۸۶.

۲. خطیب، موضح، ج ۱، صص ۴۱۷-۴۱۹.

۳. شواهد سندی حاکی از آن است که عنوان «إسماعیل بن ابی‌زیاد الشامی» تنها به واسطه نقل از تفسیر إسماعیل بن ابی‌زیاد شهرت یافته است. محمد بن عمر بن خزر در نیمه قرن چهارم به هنگام ارائه این تفسیر، عنوان شامی را برای نویسنده آن به کار برده که بعد از او ماندگار شده است. برای توضیح بیشتر، ن. ک: عادل زاده، همان، سرتاسر. در این مقاله شواهد متعددی برای اتحاد صاحب تفسیر با سکونی ارائه شده است؛ از جمله اتحاد مضامین روایات هر دو اسماعیل بن ابی‌زیاد و بحث نسبت قبیلگی سکونی. همچنین، وجود روایات با لفظ یا مضمون یکسان در میراث این دو، مهم‌ترین قرینه‌ای است که یگانگی آنها را تأیید می‌کند.

می‌شناختند و قائل به تعدد نبودند. رجالیان بعدی که در پی تعیین هویت او بوده‌اند، مثل ابن‌عقده، ابن‌عدی و نیز دارقطنی، اختلافی در اتحاد او با «اسماعیل بن مسلم سکونی» نداشته‌اند و اختلاف در معرفی اصلیت یا محل سکونت او است که عموماً او را کوفی دانسته‌اند.<sup>۱</sup> اختلاف دوم نیز در تطبیق او با قاضی موصل است که ابن‌عدی و بیشتر رجالیان بعدی، قائل به اتحاد بوده‌اند.

در این مقاله، بخش دیگری از ارتباطات عامی سکونی و نیز ارتباط جعفریات با میراث حدیثی سکونی ارائه شد که مؤید یافته‌های پیشین نگارنده است.<sup>۲</sup> همچنین در بخش ۲/۲ از این مقاله، دیدیم که برخی روایات سکونی از امام صادق علیه السلام، توسط خود او از مشایخ عامی روایت شده است. الگوی مشابهی از این شیوه نقل موازی، در روایات اسماعیل بن ابی‌زیاد شامی نیز مشاهده می‌شود. بررسی اصالت روایات سکونی از امام، تبیین علت این نقل‌های موازی و ارتباط آن با ضعف حدیثی سکونی نیازمند تحقیقی مستقل است.

۱. تنها خطیب، بر اساس عنوان پرتکرار «اسماعیل بن ابی‌زیاد شامی»، سکونی را شامی دانسته است. ارتباط شامی با سکونی در مقاله‌ای مستقل روشن شده است: عادل‌زاده، «بررسی نسبت اسماعیل بن ابی‌زیاد شامی صاحب تفسیر و اسماعیل بن مسلم سکونی راوی امام صادق علیه السلام»، پژوهش‌های رجال، ش ۳.  
 ۲. در جدول ۲ شواهدی از جعفریات در تطابق با روایات سکونی از مشایخ عامی اش ارائه شد که می‌تواند تکمیل‌کننده مقاله «بررسی انتقادی منابع کتاب جعفریات، اشعثیات» باشد. علاوه بر آن مشخص شدن شبکه مشایخ و راویان عامی سکونی در این مقاله، مؤید نتایج مقاله «اسماعیل بن ابی‌زیاد سکونی: قاضی عامی یا صحابی رازدار امامی» از اکبری و قندهاری است.

پیوست: فهرست عناوین مرتبط با سکونی به تفکیک مشایخ او در عامه

ردیف	نام شیخ	شهر	مذهب و نشاط	سال فوت	تعبیر	مصادر و منابع
۱	جابر بن یزید جعفی	کوفه	شیعه امامی	۱۲۸	السکونی	کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۱۷؛ ابن الغضائری، الرجال، ص ۱۱۰
۲	سالم بن عجلان الأطس	شام، صحران	عامی اموی	۱۳۲	إسماعیل بن أبی زیاد	ابن عدی، الکامل، ج ۱، ص ۵۱۰ (در سند، بعد از اسماعیل حیلوله رخ داده است، ن.ک: مزی، تهذیب الکمال، ج ۳، ص ۹۶)
۳	برد بن سنان	شام، دمشق	عامی اموی قدری	۱۳۵	إسماعیل بن أبی زیاد	طبری، المسترشد، ص ۶۱۹؛ ابن شاهین، الترغیب، ص ۱۵۴
۴					إسماعیل بن (أبی) زیاد	ابن القیسرانی، أطراف، ج ۱، ص ۱۱۵
۵					إسماعیل بن زیاد السلمی	أبونعیم، معرفة الصحابة، ج ۴، ص ۲۲۱۶
۶					إسماعیل بن مسلم	خطیب، موضح، ج ۱، ص ۴۱۸
۷					إسماعیل	ابن حجر، زهر الفردوس، ج ۸، ص ۲۷۸ و همان، ج ۷، ص ۳۳۶

۱. لفظ سکونی در این نقل، می تواند تصحیف از «جعفی» (یوسف بن یعقوب) باشد. برای توضیح بیشتر، ن.ک: نایینی منوچهری و حکیم، «واکاوی وثاقت و مذهب اسماعیل بن ابی زیاد سکونی»، کتاب قیم، ش ۱۶، ص ۱۹۲.
۲. سند المسترشد با تصحیفات متعدد ثبت شده است. برد بن ابی بشار تصحیف از برد بن سنان است که از مشایخ مهم سکونی است. ضبط درست سند این روایت، از اسماعیل به بعد: اسماعیل بن ابی زیاد - برد بن سنان - مکحول - عطیة بن بسر (قس: ابن شاهین، الترغیب، ص ۱۵۴).
۳. در سند زهر الفردوس، «ابن سرد» ثبت شده است که بر اساس نسخه خطی مسند الفردوس (جارالله، شماره ۳۹۳، ۱۸۵/ب) تصحیف از «عن برد» است.

۸					ابوالحسن <sup>۱</sup>	سهمی، تاریخ جرجان، ص ۲۴۳
۹					إسماعیل بن أبی زیاد	خطیب، تاریخ بغداد، ج ۶، ص ۶۱؛ کنانی، تنزیه الشریعة، ج ۱، ص ۳۰۹؛ همان، ج ۲، ص ۳۰۸؛ ابن حجر، زهر الفردوس، ج ۴، ص ۴۳۵؛ همان، ج ۵، ص ۵۴
۱۰					إسماعیل بن أبی زیاد الشامی	مغلطای، التلویح، ج ۲، ص ۲۲۷
۱۱		عامی شیعی	بصره، کوفه	ابان بن أبی عیاش	إسماعیل بن زیاد الحمصی	کوفی، مناقب، ج ۱، ص ۳۳۸
۱۲					إسماعیل بن زیاد	علوی، التعازی، ص ۱۱۵
۱۳					إسماعیل بن مسلم	ابن حجر، زهر الفردوس، ج ۸، ص ۴۶۱
۱۴					إسماعیل	مکی، قوت القلوب، ج ۱، ص ۳۲۲؛ همان، ج ۲، ص ۴۰۲
۱۵					إسماعیل	ابن عدی، الکامل، ج ۱، ص ۲۵۹؛ ثعلبی، الکشف، ج ۸، ص ۱۰۸؛ ابن العدیم، بغیة الطلب، ج ۱، ص ۴۱۸؛ ختلی، الدیباج، ج ۱، ص ۲۵
۱۶		عامی اموی	کوفه	لیث بن أبی سلیم الأموی	إسماعیل بن أبی زیاد	أبونعیم، معرفة الصحابة، ج ۴، ص ۳۱۵
۱۷					إسماعیل بن أبی زیاد الشامی	ابن حجر، الإصابة، ج ۶، ص ۱۰۰

۱. برای توضیح بیشتر درباره ابوالحسن به عنوان کتبه اسماعیل بن ابی زیاد سکونی، ن. ک: همین مقاله، ص ۱۲۶، پاورقی ۵.

۱۸				اسماعیل الکندی	خطیب بغدادی، الفقیه و المتفقه، ص ۱۱۴
۱۹				اسماعیل وهو ابوالحسن الشعیری	ابن عساکر، تاریخ دمشق، ج ۱۴، ص ۱۳۸
۲۰				اسماعیل بن ابی زیاد	ثعلبی، الکشف والبیان، ج ۹، ص ۲۰۶
۲۱	۱۳۸	عامی	بصره	اسماعیل بن ابی زیاد - مولى الضحاک-	خطیب، المتفق والمفترق، ج ۱، ص ۳۷۴
۲۲				اسماعیل بن زیاد	ابن قیسرانی، أطراف الغرائب، ج ۲، ص ۸۸
۲۳	۱۳۹	عامی	بصره	اسماعیل بن مسلم السکونی	ابن قیسرانی، أطراف الغرائب، ج ۲، ص ۱۸۶
۲۴				اسماعیل بن ابی زیاد الشامی	سمعانی، المنتخب، صص ۵۹۸-۵۹۷؛ ابن حجر، زهر الفردوس، ج ۵، صص ۷۸۷؛ همان، ج ۸، ص ۱۷۹؛ جورقانی، الایاطیل، ج ۱، ص ۲۰۷
۲۵	۱۴۰	عامی	بغداد، کوفه، خراسان	اسماعیل الشامی	ابن حجر، زهر الفردوس، ج ۴، ص ۴۸۱
۲۶				اسماعیل بن ابی زیاد سکونی	واحدی، الوسیط، ج ۳، ص ۱۵؛ خطیب، تاریخ بغداد، ج ۹، ص ۸۵
۲۷				اسماعیل السکونی - یعنی ابن ابی زیاد-	هارونی، تیسیر المطالب، ص ۲۵۶

۱. در تحقیق مورد ارجاع، عنوان راوی اشتبهاً «اسماعیل بن مسلم المکی» ثبت شده است. اما در تحقیق جدیدتر [محقق: جابر بن عبدالله سریع، دار التدمریة، ۱۴۲۸ق] این عنوان به درستی به صورت «اسماعیل بن مسلم السکونی» آمده است.

ابوالمظفر، تفسير، ج ٣، ص ٤٠٠؛ همان، ج ٦، ص ٢٩٨؛ مقریزی، إمتاع، ج ١١، ص ١٤٢	إسماعيل بن أبي زياد					٢٨
النحاس، اعراب القرآن، ج ٥، ص ١٩٤	إسماعيل بن زياد					٢٩
ذهبي، ميزان الإعتدال، ج ١، ص ٢٣٠	إسماعيل بن زياد مدني					٣٠
ابن طاووس، مهج الدعوات، ص ٨ (بخوانيد إسماعيل عن جوير)	إسماعيل بن جوير					٣١
ابن عبد البر، جامع بيان العلم، ج ١، ص ٣٧	إسماعيل بن أبي زياد	١٤٠ ح	عامي	بصره	حاتم بن أبي صغيرة، أبو يونس القسيري،	٣٢
ابو الشيخ، اخلاق النبي، ج ١، ص ١٤٩؛ ابن قيسراني، صفوة التصوف، ص ١٨٤	إسماعيل مولى كندة	١٤١	عامي	مدينه	موسى بن عقبة مولى الزبير بن العوام	٣٣
ابن حجر، زهر الفردوس، ج ٦، ص ١٢؛ همان در: ابن بابويه، ثواب الأعمال، صص ٧٦ (با تصحيح «عن» به «بن») و ٧٧؛	إسماعيل بن أبي زياد	١٤٣	عامي قدری	بصره	سليمان بن طرخان التيمي	٣٤
بيهقي، شعب الإيمان، ج ٢، ص ٥	إسماعيل بن زياد ابوالحسن	١٤٣	قاضی عامي	مدينه	يحيى بن سعيد انصاري	٣٥
ابن حجر، زهر الفردوس، ج ٥، ص ٤٥	إسماعيل	١٤٤	عامي اموي	مدينه	إسحاق بن عبد الله بن أبي فروة	٣٦
ابن القيسراني، أطراف، ج ١، ص ١١٥	إسماعيل بن (أبي) زياد	١٤٤	عامي	مدينه	زيد بن عاصم بن عمرو بن عبد الله بن عمر بن حنظل	٣٧
ابن حجر، المطالب العالیه، ج ٩، ص ٥٩٥	إسماعيل					٣٨

۳۹					ابن ماکولا، إكمال الکمال، ج ۱، ص ۲۲۴	إسماعیل - هو ابن أبی زیاد-
۴۰	الحجاج بن أرتاة	بصره، کوفه	قاضی عامی	۱۴۵	إسماعیل بن الحجاج بن أرتاة	طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۱۰، ص ۲۴۰ (بخوانید إسماعیل عن الحجاج بن أرتاة)
۴۱					إسماعیل	بیهقی، السنن الکبری، ج ۳، ص ۱۲۸ (شیخ بقیه، سکونی است.)
۴۲	هشام بن عروة بن الزبير	مدینه، کوفه	عامی	۱۴۵	إسماعیل بن أبی زیاد	خطیب، المتفق والمفترق، ج ۱، ص ۳۷۱
۴۳					إسماعیل	المستغفری، فضائل القرآن، ج ۲، ص ۵۲۲
۴۴					إسماعیل بن مسلم	ابن حجر، زهر الفردوس، ج ۱، ص ۷۱۶
۴۵	أبوسليمان الفلستيني... خولاني	شام، فلسطین	عامی	۱۴۸	إسماعیل بن أبی زیاد	خرائطي، مکارم الاخلاق، صص ۳۰ و ۳۷؛ ابن حجر، زهر الفردوس، ج ۳، ص ۵۸۹؛ همو، لسان المیزان، ج ۷، ص ۵۷
۴۶					إسماعیل بن مسلم	محمد بن عثمان، العرش، ص ۷۷؛ ابونعیم، حلیة الاولیاء، ج ۱، ص ۱۶۸ (برای ضبط درست: ابن ملقن، البدر المنیر، ج ۲، ص ۲۰۵)
۴۷	اعمش، سلیمان بن مهران	کوفه	عامی شیعی	۱۴۸	اسماعیل الکندی	طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۱۰، ص ۲۰۱ (شیخ بقیه، سکونی است.)
۴۸					إسماعیل بن زیاد- فافاه- وهو	طحاوی، شرح مشکل الآثار، ج ۱، ص ۱۸۴

٤٩					الفافا	ذهبي، سير أعلام، ج ١٨، ص ٥٧٣
٥٠					إسماعيل بن زياد الفافا	ابن أبي حاتم، الجرح والتعديل، ج ٢، ص ١٧١؛ أنباري، منتقى، ج ٩٩
٥١					إسماعيل بن أبي زياد الشامي	عراقي، المغني، ص ٤٠٦
٥٢					إسماعيل بن أبي زياد الشامي	عيني، عمدة القاري، ج ٦، ص ٢٠٣
٥٣		١٤٨	عامي	مدينه	إسماعيل بن أبي زياد	ابن قيسراني، أطراف، ج ٢، ص ٣٩٢؛ ابن عساكر، تاريخ، ج ٢٢، ص ٣٠
٥٤					إسماعيل بن مسلم	ابن ملقن، البدر المنير، ج ٢، ص ٢٠٥
٥٥					إسماعيل بن أبي زياد	ابن حجر، زهر، ج ٨، ص ٣٧٥؛ جورقاني، الأباطيل، ج ١، ص ٢٠٧
٥٦		١٥٠ ح	عامي	ملطية، شمشاط	إسماعيل بن أبي زياد سكوني	طوسي، تهذيب الأحكام، ج ٦، ص ١٢٢
٥٧		١٥٠ ح	عامي قاص	بصره، مدينه	إسماعيل بن أبي زياد الشامي	ابن حجر، زهر الفردوس، ج ٥، ص ١٩٩
٥٨		١٥٠	عامي	بصره	إسماعيل بن زياد	ابن حبان، المجروحين، ج ١، ص ١٢٩
٥٩		١٥٠	مؤسس مذهب حنفي	كوفه	إسماعيل بن أبي زياد	حارثي، مسند أبي حنيفة، ج ١، صص ٣٦٠، ٣٦٨؛ بلخي، مسند الإمام الأعظم، صص ١٨٦، ١٨٧، ١٩٧، ٢٠٠ و ٢٤٣
٦٠					إسماعيل بن مسلم	أبونعيم، مسند أبي حنيفة، ص ٥٧ (ذكر نام در فهرست راويان)



۶۱	ابوسنان (الشامی) <sup>۱</sup>	شام، بصره	عامی قدری	۱۵۰	إسماعیل بن أبی زیاد	صفار، الأربعین فی فضائل أمیر المؤمنین، ص ۸۴
۶۲	عبدالله بن عون بن أرتطبان	بصره	عامی	۱۵۰	إسماعیل بن أبی زیاد	ابن حجر، زهر الفردوس، ج ۵، ص ۲۷۲؛ مستغفری، فضائل القرآن، ج ۱، ص ۴۰۵
۶۳					إسماعیل بن أبی زیاد السکونی	مستغفری، فضائل القرآن، ج ۱، ص ۴۰۷
۶۴					إسماعیل بن مسلم السکونی	خطیب، تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۲۹۸؛ العقیلی، ضعفاء، ج ۱، ص ۲۹۳
۶۵					السکونی	ابن بابویه، ثواب الأعمال، ص ۱۷؛ علل الشرائع، ج ۱، ص ۶۴
۶۶	ابن جریر، عبد الملک بن عبد العزیز	مکه	عامی	۱۵۰	إسماعیل بن (ابی) زیاد	ابن ماجه، سنن، ج ۲، ص ۳۴۶؛ ابن عدی، الکامل، ج ۱، ص ۵۱۰
۶۷					إسماعیل بن زیاد المکی	فاکهی، أخبار مکه، ج ۴، ص ۱۲
۶۸					إسماعیل بن زیاد	فاکهی، أخبار مکه، ج ۵، ص ۱۹۶؛ الماوردی، أعلام النبوة، ص ۱۷۰
۶۹	بن أبی سفیان الجمعی	مکه	عامی	۱۵۱	إسماعیل بن مسلم	ابن الاعرابی، معجم، ج ۲، ص ۵۲۴؛ ابن قیسرانی، أطراف، ج ۱، ص ۴۸۴
۷۰					إسماعیل الشامی	سیوطی، الزیادات علی الموضوعات، ج ۱، ص ۴۷۵؛ و با تصحیف در: ابن حجر، زهر الفردوس، ج ۱، ص ۵۳۲

۱. در نسخه فعلی کتاب، در سند، نام ابوسنان به صورت «ابی سنان الشیبانی» ثبت شده که نام او ضرار بن مره بوده است؛ اما این ثبت احتمالاً تصحیف از ابن سنان/ابی سنان شامی (=ابوسنان عیسی بن سنان قسمی) است؛ چرا که در این سند، ابوسنان از وهب بن منبه روایت کرده و راوی از وهب بن منبه، دومی است و نه اولی.
۲. در نسخ موجود از عقیلی، عنوان «اسماعیل بن مسلم یشکری» ضبط شده است؛ اما ناشی از تصحیف است. برای توضیح بیشتر، ن. ک: بخش ۳/۱ از همین مقاله.

۷۱	عباد بن منصور	بصره	قاضی عامی	۱۵۲	إسماعیل بن أبی زیاد الشامی	ابن حجر، زهر، ج ۱، ص ۲۶۷؛ خطیب، المتفق، ج ۳، ص ۱۷۲۸
۷۲					(إسماعیل بن أبی زیاد) <sup>۱</sup>	شجری، الأمالی الخمیسیة، ج ۲، ص ۲۱۶
۷۳					إسماعیل بن أبی زیاد شعیری	ابن بابویه، توحید، ج ۱، ص ۳۴۳
۷۴	ثور بن یزید الرحبی	شام	عامی اموی قدری	۱۵۳	إسماعیل بن أبی زیاد سکونی	نسفی، القند فی ذکر علماء سمرقند، ص ۶۸۵
۷۵					إسماعیل بن أبی زیاد	ابن عدی، الکامل، ج ۱، ص ۳۵۰؛ واحدی، الوسیط، ج ۴، ص ۴۶۶
۷۶					إسماعیل بن أبی زیاد الشامی	مغلطای، التلویح، ج ۵، ص ۱۵۳؛ خلیلی، الإرشاد، ج ۱، ص ۳۸۹
۷۷	أوزاعی، عبدالرحمن بن عمرو	شام، بیروت و دمشق	عامی اموی	۱۵۷	إسماعیل بن (أبی) زیاد	ابن حجر، زهر الفردوس، ج ۷، ص ۳۳۶
۷۸					إسماعیل بن (أبی) زیاد	ابن قیسرانی، أطراف، ج ۱، ص ۱۱۵
۷۹	یونس بن یزید الأیلی	شام، أیله (بین دمشق ومصر)	عامی اموی	۱۵۹	إسماعیل بن أبی زیاد الشامی	خلیلی، الإرشاد، ج ۱، ص ۱۱۸؛ سبکی، طبقات الشافعیة، ج ۱، ص ۱۵
۸۰					إسماعیل بن أبی زیاد	ابن حجر، زهر الفردوس، ج ۵، ص ۵۸۸؛ همان، ج ۶، ص ۳۹۶
۸۱	بهبز بن حکیم	بصره	عامی	ق ۱۶۰	إسماعیل بن زیاد <sup>۲</sup>	ابن عساکر، تاریخ دمشق، ج ۲۳، ص ۸۰

۱. نام راوی عباد بن منصور از سند افتاده است. برای توضیح بیشتر، ن. ک: ص ۱۲۶، باورقی ۱.
۲. در جای دیگر ابن عساکر او را «إسماعیل بن ابی زیاد» نامیده است (ابن عساکر، تاریخ دمشق، ج ۳۴، ص ۶۷).

۸۲	اسماعیل بن زیاد	بغداد، کوفه	عامی	۱۶۰	اسماعیل بن ابی‌زیاد	أبوزرعة الرازی، الضعفاء، ج ۲، ص ۳۷۳
۸۳	اسماعیل				اسماعیل	ذهبی، میزان الاعتدال، ۱، ص ۲۳۰؛ همو، سیر اعلام، ج ۱، ص ۴۳۷
۸۴	اسماعیل بن ابی‌زیاد				اسماعیل بن ابی‌زیاد	ابن عدی، الكامل، ج ۱، ص ۵۱۰
۸۵	اسماعیل بن زیاد الفافا				اسماعیل بن زیاد الفافا	ابن قیسرانی، أطراف، ج ۱، ص ۲۷۹
۸۶	شعبة بن الحجاج	بصره، کوفه	عامی	۱۶۰	اسماعیل بن زیاد (السکونی)	خطیب، المتفق، ج ۱، ص ۳۶۳ (قس: نجاشی، رجال، ص ۵۱)
۸۷					اسماعیل بن زیاد القاضی	خطیب، المتفق والمفترق، ج ۱، ص ۳۶۶
۸۸	حنظلة بن أبی‌المغیرة	کوفه	عامی قاص	ح ۱۶۰	اسماعیل الشامی	سیوطی، الزیادات علی الموضوعات، ج ۱، ص ۴۷۵
۸۹	صلب بن مطر الجلیدی	کوفه	عامی شیعی	ح ۱۶۰	اسماعیل بن ابی‌زیاد السکونی	الدارقطنی، المؤلف والمختلف، ج ۳، ص ۱۴۳۵
۹۰	محمد بن أبی‌حمید انصاری	مدینه	عامی	ح ۱۶۰	اسماعیل <sup>۱</sup>	خرائطی، مکارم الاخلاق، ص ۲۶؛ همو، مساوی الاخلاق، ج ۱، ص ۲۰
۹۱	عبیده بن حسان السنجاری	جزیره، سنجار	عامی	ح ۱۶۰	اسماعیل	ابن حجر، زهر الفردوس، ج ۶، ص ۲۶
۹۲	محمد بن بشر الأسلمی	کوفه	عامی	ح ۱۶۰	اسماعیل بن ابی‌زیاد	خطیب، المتفق، ج ۱، ص ۳۷۱؛ ابن قیسرانی، أطراف، ج ۳، ص ۲۳۶

۱. راوی از اسماعیل، بقیة بن ولید است که راوی از اسماعیل بن ابی‌زیاد بوده است.

خطیب، المتفق والمفترق، ج ۱، ص ۳۷۵	إسماعیل بن أبی زیاد - قاضی الموصل-	۱۶۰- ۱۷۰	عامی	بصره	أبو زری نصر بن ظریف الباهلی	۹۳
المقدسی، الأحادیث المختارة، ج ۲، ص ۱۲۱	إسماعیل بن زیاد					۹۴
ازدی، تاریخ الموصل، ج ۱، ص ۵۱۸	إسماعیل بن زیاد القاضی	۱۶۷	عامی	کوفه	محمد بن طلحة بن مصرف	۹۵
حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۴۹	إسماعیل بن زیاد	۱۷۰	عامی عباسی	مدینه	أبو معشر نجیح بن عبدالرحمن السندی	۹۶
خطیب، المتفق والمفترق، ج ۱، ص ۳۶۶	إسماعیل بن زیاد القاضی	۱۷۲	عامی	بصره	روح بن مسافر	۹۷
أبونعیم، أخبار أصبهان، ج ۲، ص ۱۷۹؛ ابن حجر، زهر، ج ۸، ص ۴۵۰	إسماعیل بن أبی زیاد	۱۷۳	قاضی عامی	مصر	عبدالله بن لهیعة بن عقبه	۹۸
أبونعیم، معرفة الصحابة، ج ۵، ص ۲۷۵۴	إسماعیل السکونی	ح ۱۸۰	عامی شیعی	کوفه	جميع بن عمیر العجلی	۹۹
ابن حجر، زهر الفردوس، ج ۵، ص ۸۰۴	إسماعیل بن زیاد العمی	۱۸۴	عامی	بصره، بغداد	عبد الرحیم بن زید العمی <sup>۱</sup>	۱۰۰
ابن بابویه، ثواب الأعمال، ص ۲۱۳	إسماعیل بن مسلم	۱۸۴	عامی عباسی	بغداد	مروان بن شجاع الخصیفی	۱۰۱

۱. در سند «عبدالرحیم بن زیاد الوالی عن أنس» آمده که تصحیف «عبدالرحیم بن زید بن الحواری العمی» است که با واسطه پدرش از انس روایت می‌کرده است. زید العمی و پسرش با نسب العمی معروف بوده‌اند، و لذا احتمال دارد که یکی از راویان بعدی، نسب العمی را برای اسماعیل نیز افزوده باشد.

۱۰۲	عبد السلام بن حرب نهدي	كوفه	عامی شیعی	۱۸۶	إسماعیل بن مسلم	الجصاص، أحكام القرآن، ج ۲، ص ۱۲۴۵
۱۰۳	ابونعیم شجاع بن أبی نصر بلخی	بلخ	عامی	۱۹۰	إسماعیل بن مسلم	ابن بابویه، امالی، ص ۴۶۳
۱۰۴	موسل <sup>۲</sup>	موسل <sup>۲</sup>	عامی (راوی زهری)	ربع آخر قرن ۲	إسماعیل بن أبی زیاد	ابن قیسرانی، أطراف، ج ۲، ص ۴۵۳
۱۰۵					إسماعیل بن زیاد السکونی	خطیب، غنیة الملتمس، ص ۴۲۹
۱۰۶	مالک بن مغیره	راوی از حماد بن سلمة (م. ۱۶۷ق)			السکونی	قمی، تفسیر، ج ۱، ص ۹۴
۱۰۷	محمد بن مسلم	مشترک بین محمد بن مسلم ثقفی و محمد بن مسلم طائفی			إسماعیل بن أبی زیاد	طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۳۵۲ (قس: ابن بابویه، خصال، ج ۱، ص ۱۸ که بدون واسطه است)

## منابع و مأخذ<sup>۳</sup>

۱. آملی طبری، محمد بن جریر، المسترشد فی إمامة علي بن أبی طالب علیه السلام، قم: نشر کوشانپور، ۱۴۱۵ق.
۲. ابن ابی حاتم رازی، عبدالرحمن بن محمد، العلیل لابن ابی حاتم، [ابی جا]: مطابع الحمیضی، ۱۴۲۷ق.
۳. \_\_\_\_\_، الجرح والتعديل، بیروت: دار إحياء التراث العربي، ۱۳۷۲ق.

۱. در نقل دیگر این حدیث در: أبونعیم، معرفة الصحابة، ج ۴، ص ۱۸۶۰، راوی از عبدالسلام، «إسماعیل بن عمرو البجلي» است. احتمال دارد که اینجا نیز «إسماعیل بن مسلم» تصحیف از إسماعیل بن عمرو باشد. به ویژه که دومی، از راویان عبدالسلام بوده است (مثلاً: عقیلی، الضعفاء، ج ۱، ص ۸۶).

۲. محمد بن یحیی بن سکن موصلی احتمالاً پسر او است که متولد موصل بوده و بعد به ری مهاجرت کرده است.

۳. به عموم منابع معرفی شده در کتابنامه، به صورت مستقل مراجعه نشده است؛ بلکه با استفاده از نرم افزارهای زیر مورد استفاده قرار گرفته اند:

- جامع الأحادیث نور، نسخه ۳.۵، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، قم، ۱۳۹۵ ش.
- جامع خادم الحرمین الشریفین، الإصدار الأول، شركة حرف لتتقية المعلومات، ۲۰۱۴ م.
- المكتبة الشاملة، نسخة سوم.
- مكتبة اهل البيت علیهم السلام، نسخة سوم، قم.
- جوامع الكلم، موقع اسلام وب.

٤. ابن ابي الدنيا، عبدالله بن محمد، التواضع والخمول، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤٠٩ق.
٥. ابن اعرابي، احمد بن محمد، المعجم، السعودية: دار ابن الجوزي، ١٤١٨ق.
٦. ابن بابويه، محمد بن علي، شيخ صدوق، الأمالي، تهران: كتابچی، ٦، ١٣٧٦ش.
٧. \_\_\_\_\_، ثواب الأعمال وعقاب الأعمال، قم: دارالشفيف الرضي، ٢، ١٤٠٦ق.
٨. \_\_\_\_\_، التوحيد، قم: جامعه مدرسين، ١٣٩٨ق.
٩. \_\_\_\_\_، الخصال، قم: جامعه مدرسين، ١٣٦٢ش.
١٠. \_\_\_\_\_، معاني الأخبار، قم: جامعه مدرسين، ١٤٠٣ق.
١١. \_\_\_\_\_، علل الشرائع، قم: كتاب فروشى داورى، ١٣٨٥ش.
١٢. \_\_\_\_\_، كتاب من لا يحضره الفقيه، قم: دفتر انتشارات اسلامي، ٢، ١٤١٣ق.
١٣. ابن بشكوال، خلف بن عبدالملك، الآثار المروية في الأطعمة السرية، الرياض: أضواء السلف، ٢٠٠٤م.
١٤. ابن جوزي، عبدالرحمن بن علي، تلقيح فهوم اهل الأثر، بيروت: شركة دار الأرقم بن أبي الأرقم، ١٩٩٧م.
١٥. \_\_\_\_\_، الموضوعات، المدينة المنورة: المكتبة السلفية، ١٣٨٦ق.
١٦. ابن حبان، محمد البستي، الثقات، حيدرآباد: دائرة المعارف العثمانية، ١٣٩٣ق.
١٧. \_\_\_\_\_، المجروحين من المحدثين، الرياض: دار الصميعي، ١٤٢٠ق.
١٨. ابن حجر عسقلاني، احمد بن علي، المطالب العالية بزوائد المسانيد الثمانية، الرياض: دار العاصمة-دار الغيث، ١٤١٩ق.
١٩. \_\_\_\_\_، الغرائب الملتقطة من مسند الفردوس المسمى زهر الفردوس، الإمارات المتحدة العربية: جمعية دار البر، ١٤٣٩ق.
٢٠. \_\_\_\_\_، لسان الميزان، [ابى جا]: دار البشائر الإسلامية، ٢٠٠٢م.
٢١. \_\_\_\_\_، الإصابة في تمييز الصحابة، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٥ق.
٢٢. \_\_\_\_\_، تهذيب التهذيب، همد: مطبعة دائرة المعارف النظامية، ١٣٢٦ق.
٢٣. ابن حيون مغربي، قاضي نعمان بن محمد، دعائم الإسلام، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، ٢، ١٣٨٥ق.
٢٤. \_\_\_\_\_، «الإيضاح»، به كوشش محمد كاظم رحمتي، ميراث حديث شيعه، دفتر دهم، ١٣٨٢ش.
٢٥. ابن رازي قمي، جعفر بن احمد، جامع الأحاديث، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية، ١٤١٣ق.
٢٦. ابن شاهين، عمر بن احمد، الجزء الخامس من الأفراد، كويت: دار ابن الأثير، ١٤١٥ق.
٢٧. \_\_\_\_\_، الترغيب في فضائل الأعمال وثواب ذلك، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤٢٤ق.
٢٨. ابن شهر آشوب مازندراني، محمد بن علي، مناقب آل أبي طالب عليه السلام، قم: علامه، ١٣٧٩ق.
٢٩. ابن طاووس، علي بن موسى، مهج الدعوات و منهج العبادات، قم: دار الذخائر، ١٤١١ق.
٣٠. ابن عبدالبر قرطبي، يوسف بن عبدالله، جامع بيان العلم وفضله، دار ابن الجوزي، ١٤١٤ق.
٣١. ابن عدى، ابواحمد جرجاني، الكامل في ضعفاء الرجال، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٨ق.

۳۲. ابن عدیم، عمر بن احمد، بغیة الطلب فی تاریخ حلب، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۸ق.
۳۳. ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینة دمشق، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۵ق.
۳۴. ابن غضائری، احمد بن حسین، رجال، قم: دارالحدیث، ۱۳۶۴ش.
۳۵. ابن قیسرانی، محمد بن طاهر مقدسی، تذکرة الحفاظ (أطراف أحادیث کتاب المعجروحين لابن حبان)، ریاض: دار الصمیعی، ۱۴۱۵ق.
۳۶. \_\_\_\_\_، أطراف الغرائب، [بی جا]: دار التدمرية، ۱۴۲۸ق.
۳۷. \_\_\_\_\_، أطراف الغرائب والأفراد من حدیث رسول الله ﷺ، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۹ق.
۳۸. \_\_\_\_\_، صفوة التصوف، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۷ق.
۳۹. ابن ماجه قزوینی، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، بیروت: دار الرسالة العالمیة، ۱۴۳۰ق.
۴۰. ابن ماکولا، علی بن هبة الله، إكمال الکمال، بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی تا].
۴۱. ابن ملقن، عمر بن علی، البدر المنیر، ریاض: دار الهجرة، ۱۴۲۵ق.
۴۲. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست للندیم، لندن: مؤسسة الفرقان للتراث الإسلامی، ۲۰۰۹م.
۴۳. ابوحاتم سجستانی، سهل بن محمد، المعمرون والوصایا، القاهرة: دار احیاء الکتب العربیة، ۱۹۶۱ق.<sup>۱</sup>
۴۴. ابوالشیخ، عبدالله بن محمد اصبهانی، أخلاق النبی وآدابه، [بی جا]: دارالمسلم، ۱۹۹۸م.
۴۵. \_\_\_\_\_، طبقات المحدثین بأصبهان والواردین علیها، بیروت: الرسالة، ج ۲، ۱۴۱۲ق.
۴۶. ابوزرعہ، رازی، الضعفاء، مدینة: عمادة البحث العلمی بالجامعة الإسلامیة، ۱۴۰۲ق.
۴۷. ابوالفرج، علی بن حسین اصبهانی، مقاتل الطالبیین، بیروت: دار المعرفة، [بی تا].
۴۸. ابوالمظفر سمعانی، منصور بن محمد، تفسیر، ریاض: دارالوطن، ۱۴۱۸ق.
۴۹. ابونعیم، احمد بن عبدالله اصبهانی، اخبار اصبهان (تاریخ اصبهان)، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۰ق.
۵۰. \_\_\_\_\_، حلیة الأولیاء وطبقات الأصفیاء، مصر: مكتبة السعادة، ۱۳۹۴ق.
۵۱. \_\_\_\_\_، معرفة الصحابة، ریاض: دار الوطن، ۱۴۱۹ق.
۵۲. \_\_\_\_\_، مسند الإمام أبي حنيفة رواية أبي نعیم، ریاض: مكتبة الكوثر، ۱۴۱۵ق.
۵۳. احمد بن عیسی، رأب الصدع، أمالي الإمام أحمد بن عیسی، بیروت: دار النفائس، ۱۴۱۰ق.
۵۴. ازدی، یزید بن محمد، تاریخ الموصل، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۷ق.
۵۵. استرآبادی، علی، تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۰۹ق.

۱. نسخه موجود از این کتاب در «المکتبة الشاملة» بر اساس همین نسخه تایپ شده؛ اما شماره صفحات آن مطابق نسخه منتشر شده نیست.

٥٦. اكبرى، عميدرضا و قندهارى، محمد، «اسماعيل بن ابى زياد سكونى: قاضى عامى يا صحابى رازدار امامى؟»، مطالعات تاريخى قرآن و حديث، ش ٦٩، ١٤٠٠ ش.
٥٧. انبارى، محمد بن جعفر، منتقى من حديث أبى بكر الأنبارى (مخطوط)، نُشر في برنامج جوامع الكلم المجاني التابع لموقع الشبكة الإسلامية، ٢٠٠٤ م.
٥٨. بخارى، محمد بن اسماعيل، التاريخ الكبير، حيدرآباد: دائرة المعارف العثمانية، [بى تا].
٥٩. برقى، احمد بن محمد (منسوب به)، الرجال، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ١٣٤٢ ش.
٦٠. \_\_\_\_\_، المحاسن، قم: دارالكتب الإسلامية، ج ٢، ١٣٧١ ق.
٦١. بلخى، حسين بن محمد بن خسرو، مسند الإمام الأعظم أبى حنيفة النعمان بن ثابت الكوفى، مكة: المكتبة الإمدادية، ١٤٣١ ق.
٦٢. بيهقى، احمد بن حسين، السنن الكبرى، بيروت: دارالكتب العلمية، ج ٢، ١٤٢٤ ق.
٦٣. \_\_\_\_\_، شعب الإيمان، الرياض: مكتبة الرشد، ١٤٢٣ ق.
٦٤. تسترى، محمدتقى، قاموس الرجال، قم: مؤسسة النشر الإسلامى، ج ٢، ١٤١٠ ق.
٦٥. ثعلبى، احمد بن محمد، الكشف والبيان عن تفسير القرآن، بيروت: دار إحياء التراث العربى، ١٤٢٢ ق.
٦٦. جزرى، عزالدين، ابن اثير، الكامل في التاريخ، بيروت: دار الصادر، ١٣٨٥ ق.
٦٧. جصاص، احمد بن على رازى، احكام القرآن، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤١٥ ق.
٦٨. جورقانى، حسين بن ابراهيم، الأبطال والمناكير والصحاح والمشاهير، رياض: دار الصمعي، ج ٤، ١٤٢٢ ق.
٦٩. حارثى، عبدالله بن محمد بخارى، مسند الإمام الأعظم أبى حنيفة، مكة: المكتبة الإمدادية، ١٤٣١ ق.
٧٠. حايك، خالد، زيد بن جارية ويزيد بن جارية، هل هما واحد أم أخوان؟، منشورده در وبسایت نویسنده: addyaiya.com، ١٤٢٩ ق.
٧١. حر عاملى، محمد بن حسن، وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، ج ٢، ١٤١٤ ق.
٧٢. حسانى، عبيدالله، شواهد التنزيل، [بى جا]: مجمع إحياء الثقافة الإسلامية، ج ١، ١٤١١ ق.
٧٣. ختلى، اسحاق بن ابراهيم، كتاب الديباج، [بى جا]: دار البشائر، ١٩٩٤ م.
٧٤. خرائطى، محمد بن جعفر، مكارم الأخلاق ومعاليها ومحمود طرائقها، القاهرة: دار الآفاق العربية، ١٤١٩ ق.
٧٥. \_\_\_\_\_، مساوى الاخلاق، جدة: مكتبة السوادى، ١٤١٣ ق.
٧٦. خطيب بغدادى، احمد بن على، موضح أوهام الجمع والتفريق، بيروت: دار المعرفة، ١٤٠٧ ق.
٧٧. \_\_\_\_\_، تلخيص المتشابه في الرسم، دمشق: طلاس للدراسات والترجمة والنشر، ١٩٨٥ م.
٧٨. \_\_\_\_\_، موضح أوهام الجمع والتفريق، بيروت: دار المعرفة، ١٤٠٧ ق.
٧٩. \_\_\_\_\_، المتفق والمفترق، دمشق: دار القادري، ١٤١٧ ق.



۸۰. \_\_\_\_\_، الجامع لأخلاق الراوي وآداب السامع، الرياض: مكتبة المعارف، ۱۴۱۸ق.
۸۱. \_\_\_\_\_، تاريخ بغداد، دار الغرب الإسلامي، ۱۴۲۲ق.
۸۲. \_\_\_\_\_، غنية الملتبس إيضاح الملتبس، رياض: مكتبة الرشد، ۲۰۰۱م.
۸۳. \_\_\_\_\_، الفقيه والمتفقه، سعودی: دار ابن الجوزي، ۱۴۲۱ق.
۸۴. خليفة بن خياط، ابوعمر، طبقات، بيروت: دار الفكر، ۱۴۱۴ق.
۸۵. خليلي، ابويعلى خليل بن عبدالله، الإرشاد في معرفة علماء الحديث، رياض: مكتبة الرشد، ۱۴۰۹ق.
۸۶. خويي، ابوالقاسم، معجم رجال الحديث، [بي جا]، [بي تا]. (موجود در نرم افزار دراية النور)
۸۷. دارقطني، علي بن عمر، الضعفاء والمتروكين، رياض: مكتبة المعارف، ۱۴۰۴ق.
۸۸. \_\_\_\_\_، المؤلف والمختلف، بيروت: دار المغرب الإسلامي، ۱۴۰۶ق.
۸۹. ديلمی، شيرويه، الفردوس، بيروت: دارالكتب العلمية، ۱۴۰۶ق.
۹۰. ذهبي، محمد بن احمد، سير أعلام النبلاء، القاهرة: دار الحديث، ۱۴۲۷ق.
۹۱. \_\_\_\_\_، ميزان الاعتدال، بيروت: دارالمعرفة، ۱۳۸۲ق.
۹۲. \_\_\_\_\_، تاريخ الإسلام ووفيات المشاهير والأعلام، بيروت: دار الكتاب العربي، ج ۲، ۱۴۱۳ق.
۹۳. رحمتي، محمداكظم، «الإيضاح؛ قاضي نعمان بن حيون»، ميراث حديث شيعه، دفتر دهم، ۱۳۸۲ش.
۹۴. سبط ابن عجمي، ابراهيم بن محمد طرابلسي، الكشف الحثيث عن رمي بوضع الحديث، بيروت: عالم الكتب، مكتبة النهضة العربية، ۱۴۰۷ق.
۹۵. سبكي، تقى الدين، طبقات الشافعية الكبرى، [بي جا]: دار هجر، ۱۴۱۳ق.
۹۶. سلمان نژاد، مرتضى، جريان شناسی آثار درباره احاديث موضوعه، پایان نامه دكتورای قرآن و حديث، مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۳۹۹ش.
۹۷. سمعانی، عبد الكريم، الأنساب، بيروت: دار الجنان للطباعة والنشر والتوزيع، ۱۴۰۸ق.
۹۸. \_\_\_\_\_، المنتخب من معجم شیوخ السمعانی، رياض: دار عالم الكتب، ۱۴۱۷ق.
۹۹. سهمی، حمزة بن يوسف، تاريخ جرجان، بيروت: عالم الكتب، ج ۴، ۱۴۰۷ق.
۱۰۰. سيستاني، محمدرضا، قيسات من علم الرجال، بيروت: دار المورخ العربي، ۱۴۳۷ق.
۱۰۱. سيوطي، عبدالرحمن بن ابى بكر، الزيادات على الموضوعات ويسمى ذيل الآلي المصنوعة، رياض: مكتبة المعارف، ۱۴۳۱ق.
۱۰۲. شبيري زنجانى، محمداكظم، كشف النقاب عن وجوه رواة الاصحاب، انتشار یافته در نسخه سوم نرم افزار دراية النور، قم: مركز تحقيقات كامپيوترى علوم اسلامى (نور)، [بي تا].
۱۰۳. \_\_\_\_\_، «ابوجعفر برقى»، دانش نامه جهان اسلام، جلد ۳، تهران: بنياد دائرة المعارف اسلامى، ۱۳۷۷ش.
۱۰۴. شجرى، يحيى بن حسين، ترتيب الأمالى الخميسية، بيروت: دارالكتب العلمية، ۱۴۲۲ق.

۱۰۵. شوکانی، محمد بن علی، الفوائد المجموعة في الأحاديث الموضوعة، بيروت: دارالكتب العلمية، [بى تا].
۱۰۶. شهردار بن شيرويه ديلمى، مسند الفردوس، نسخة خطى، كتابخانه ولى الدين جار الله، شماره ۳۹۳.
۱۰۷. صفار، حسن بن على، الاربعون في فضائل امير المؤمنين عليه السلام، عمان: مؤسسة الإمام زيد بن على عليه السلام الثقافية، ۱۴۲۴ق، نسخة منشور شده در سايت مكتبة مجالس آل محمد عليه السلام: al-majalis.org.
۱۰۸. طبرانى، سليمان بن احمد، المعجم الكبير، قاهرة: مكتبة ابن تيمية، ج ۲، ۱۴۱۵ق.
۱۰۹. طبرسى، حسن بن فضل، مكارم الأخلاق، قم: الشريف الرضى، ج ۴، ۱۴۱۲ق.
۱۱۰. طحاوى، احمد بن محمد، شرح مشكل الآثار، بيروت: الرسالة، ۱۴۱۵ق.
۱۱۱. طرهونى، محمد بن رزق، موسوعة فضائل سور وآيات القرآن - القسم الصحيح، دمام: دار ابن القيم، ۱۴۰۹ق.
۱۱۲. طوسى، محمد بن حسن، شيخ طوسى، تهذيب الأحكام، تهران: دارالكتب الإسلامية، ج ۴، ۱۴۰۷ق.
۱۱۳. \_\_\_\_\_، الأمالي، قم: دار الثقافة، ۱۴۱۴ق.
۱۱۴. \_\_\_\_\_، رجال الشيخ طوسى، قم: جامعة المدرسين، ۱۴۱۵ق.
۱۱۵. \_\_\_\_\_، فهرست كتب الشيعة واصولهم واسماء المصنفين واصحاب الاصول، قم: مكتبة المحقق الطباطبائي، ۱۴۲۰ق.
۱۱۶. عبداللهى، مرتضى، بررسى شخصيت حديثى رجالى اسماعيل بن ابى زياد السكونى، قم: صحيفه معرفت، ۱۳۹۷ش.
۱۱۷. عادلزاده، على «بررسى نسبت اسماعيل بن ابى زياد شامى صاحب تفسير و اسماعيل بن مسلم سكونى راوى امام صادق عليه السلام»، پژوهش هاى رجالى، ش ۳.
۱۱۸. عادلزاده، على و قندهارى، محمد، «بررسى انتقادى منابع كتاب جعفرىات»، پژوهشنامه علوم حديث تطبيقى، ش ۱۳.
۱۱۹. صنعانى، عبدالرزاق، المصنف، هند: المجلس العلمى، ج ۲، ۱۴۰۳ق.
۱۲۰. عبايجى، ميسون ذنون، «التصحيح والتحريف فى كتاب تاريخ الموصل لأبى زكريا الازدى (روايات خليفة بن خياط نموذجاً)»، مجلة دراسات موصليّة، ش ۵۳، ۲۰۱۹م.
۱۲۱. عراقى، عبدالرحيم بن حسين، المغنى عن حمل الاسفار، بيروت: دار ابن حزم، ۱۴۲۶ق.
۱۲۲. علوى، ابو عبدالله محمد بن على، التعازى، [بى جا]: [بى نا]، [بى تا].
۱۲۳. عواطى، فاطمة الزهراء، «الموازنة العلمية بين كتابى "التاريخ الكبير" للإمام البخارى و "الجرح والتعديل" لابن أبى حاتم الرازى»، مجلة الشريعة والدراسات الإسلامية، مجلد ۳۱، عدد ۱، ۲۰۱۶م.
۱۲۴. عواطى، فاطمة الزهراء، «مقايسة علمى التاريخ الكبير بخارى و الجرح و التعديل ابن أبى حاتم»، ترجمة نرگس بهشتى، آينه پژوهش، ش ۱۸۰، ۱۳۹۸ش.
۱۲۵. عياشى، محمد بن مسعود، تفسير، تهران: المطبعة العلمية، ج ۱، ۱۳۸۰ق.

۱۲۶. عینی، بدرالدین محمود بن احمد، عمدة القاری، بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی تا].
۱۲۷. فاکهی، محمد بن اسحاق، أخبار مكة في قديم الدهر وحديثه، مكة: مكتبة الاسدي، ۱۴۲۴ ق.
۱۲۸. فسوی، محمد بن علی بن عبدالملک، البيان في نزول القرآن (مخطوط)، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، شماره ۲۶۰۸ (تصویر نسخه در مكتبة المحقق الطباطبائي، قم، شماره ع/۸۷). بر اساس تصویر انتشار یافته از نسخه به صورت آنلاین در ۲۰۱۹/۸/۳۱: ۲۰۱۹/۸/۳۱/۸۷\_۲۰۱۹۰۸۳۱.archive.org/details/
۱۲۹. قندهاری، محمد، «بازشناسی هویت تاریخی سلیم بن قیس هلالی»، پایان نامه دکتری رشته قرآن و حدیث، دانشگاه تهران، بهمن ۱۳۹۸ ش.
۱۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیة، ۱۴۰۷ ق.
۱۳۱. کوفی، فرات بن ابراهیم، التفسیر، تهران: مؤسسه الطبع و النشر، ۱۴۱۰ ق.
۱۳۲. کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب الإمام أمير المؤمنين علی بن أبي طالب عليه السلام، قم: مجمع إحياء الثقافة الإسلامية، ۱۴۱۲ ق.
۱۳۳. کنانی، علی بن محمد، تزيه الشريعة المرفوعة عن الأخبار الشنيعة الموضوعة، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۳۹۹ ق.
۱۳۴. لواسانی، محمدرضا، «دو (عمر و) و یک حدیث اثنا عشری»، علوم حدیث، سال ۲۰، ش ۱، ۱۳۹۴ ش.
۱۳۵. محاملی، حسین بن اسماعیل، أمالي المحاملي (رواية ابن يحيى البيهقي)، الاردن: المكتبة الإسلامية، دار ابن القيم، ۱۴۱۲ ق.
۱۳۶. محققیان، حسین، «بازشناسی شخصیت اسماعیل بن ابی زیاد سکونی»، حدیث حوزه، ش ۷، ۱۳۹۲ ش.
۱۳۷. محمد بن عثمان ابن ابی شیبہ، العرش وما روى فيه، رياض: مكتبة الرشد، ۱۴۱۸ ق.
۱۳۸. محمد، جوده، دراسة حديث ما السماوات السبع مع الكرسي إلاكحلقة ملقاة بأرض فلاة، مقاله آنلاین به آدرس: /۱۲۷۱۷۴/majles.alukah.net/t
۱۳۹. مددی، احمد، تقریرات درس خارج فقه، ۱۳۸۷ ش، ostadmadadi.ir.
۱۴۰. \_\_\_\_\_، تقریرات درس خارج فقه، مکاسب محرمة، تدوین کاظم دلیری، ۱۳۸۹ ش، ostadmadadi.ir.
۱۴۱. \_\_\_\_\_، تقریرات درس خارج فقه، مکاسب محرمة، ۱۳۹۵ ش، fa.mfeb.ir.
۱۴۲. مدرسی طباطبائی، حسین، میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، قم: نشر مورخ، ۱۳۸۶ ش.
۱۴۳. مزّی، یوسف بن عبدالرحمن، تهذیب الکمال فی أسماء الرجال، بیروت: مؤسسه الرسالة، ۱۴۰۰ ق.
۱۴۴. مسافر حاجی، الأربعون البلدانية، تاریخ النشر بالمکتبة الشاملة: ۸ ذو الحجة ۱۴۳۱ ق.
۱۴۵. المستغفری، جعفر بن محمد، فضائل القرآن، بیروت: دار ابن حزم، ۲۰۰۸ م.
۱۴۶. مغلطای بن قلیج، علاء الدین، شرح سنن ابن ماجه، سعودی: مكتبة نزار مصطفى الباز، ۱۴۱۹ ق.
۱۴۷. \_\_\_\_\_، إكمال تهذیب الکمال فی أسماء الرجال، [بی جا]: الفاروق الحدیثیة، ۱۴۲۲ ق.

١٤٨. \_\_\_\_\_، التلويح إلى شرح الجامع الصحيح، [بى جا]: دار الكمال المتحدة، ٢٠١٧م. (منتشر شده در نرم افزار موسوعة صحيح البخاري و نيز در المكتبة الشاملة)
١٤٩. مفيد، محمد بن محمد، الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، قم: كنگره شيخ مفيد، ١٤١٣ق.
١٥٠. مقدسى، محمد بن عبدالواحد، الأحاديث المختارة أو المستخرج من الأحاديث المختارة...، بيروت: دار خضر، ج ٣، ١٤٢٠ق.
١٥١. مقدسى بشارى، محمد بن احمد، أحسن التقاسيم في معرفة الأقاليم، قاهره: مكتبة مدبولى، ١٩٩١م.
١٥٢. مقرئى، احمد بن على، إمتاع الأسماع بما للنبي من الأحوال...، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤٢٠ق.
١٥٣. مكى، محمد بن على، قوت القلوب في معاملة المحبوب، بيروت: دارالكتب العلمية، ج ٢، ١٤٢٦ق.
١٥٤. ناينى منوچهرى، محمدرضا؛ حكيم، محمد، «واكاوى وثاقت و مذهب اسماعيل بن ابى زياد سكونى»، كتاب قيم، شماره ١٦، ١٣٩٦ش.
١٥٥. نجاشى، احمد بن على، الرجال، قم: مؤسسة النشر الاسلامى، ١٣٦٥ش.
١٥٦. نحاس، ابى جعفر، اعراب القرآن، بيروت: دارالكتب العلمية، منشورات محمد على بيضون، ١٤٢١ق.
١٥٧. نرسى، محمد بن على، ثواب قضاء حوائج الإخوان، بيروت: دار البشائر الإسلامية، ١٤١٤ق.
١٥٨. نسفى، عمر بن محمد، القند في ذكر أخبار سمرقند، [بى جا]: آينه ميراث، ١٤٢٠ق.
١٥٩. واحدى، على بن احمد، الوسيط في تفسير القرآن المجيد، بيروت: دارالكتب العلمية، ج ١، ١٤١٥ق.
١٦٠. هارونى، يحيى بن حسن، تيسير المطالب في أمالى أبى طالب، صنعاء: مؤسسة الامام زيد بن على الثقافية، ١٤٢٢ق.
١٦١. نرم افزار دراية النور، نسخه دوم، قم: مركز تحقيقات كامپيوترى علوم اسلامى، ١٣٩٨ش. دسترسى آنلاين به آدرس: abreanoor.com.
١٦٢. Allissa, Najmeddin, "الدجاجلة في ميزان الجرح والتعديل: كتاب المجروحين لابن حبان نموذجًا", Tokat İlmiyat Dergisi, v.9, n.2, 2021.
١٦٣. Judd, Steven, 'Al-Awza'i and Sufyan al-Thawri: The Umayyad Madhhab?' in Bearman, P., Peters, R. and Vogel, F. (eds) The Islamic School of Law: Evolution, Devolution, and Progress, Cambridge, MA: Harvard University Press, 2005.
١٦٤. Madelung, Wilferd, The Sources of Ismā'īlī Law, Journal of Near Eastern Studies (JNES), Vol. 35, No. 1, 1976.
١٦٥. Melchert, Christopher, Bukhari and early hadith criticism, Journal of the American Oriental Society (JAOS), Vol. 121, No. 1, 2001.